منتخب احاديث حج

نويسنده : سيّد على قاضى عسكر

تذکراین کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

# پيشگفتار

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| يا ربّ اين كعبه مقصود تماشاگه كيست  |  | كه مغيلان طريقش گل و نسرين من است  |

حافظ

حج در لغت به معناى قصد و در اصطلاح آهنگ خانه خدا كردن، و يكى از آيين هاى مهمّ دينى مذهبى مسلمانان است. مغناطيس كعبه همه ساله ميليون ها مسلمان را از گوشه و كنار جهان به سوى خود جذب مى كند تا با انجام اعمال و مناسك و رعايت يك سلسله مقررات ويژه، در يك عمليّات تمرينى، براى تحقق زندگى توحيدى شركت كنند و قدرت و عظمت اسلام را در برابر ديد جهانيان به نمايش بگذارند.

در اين همايش عظيم، مسلمانان با نژادها و رنگ هاى گوناگون، كنار كعبه گردهم مى آيند تا از رهگذر آشنايى با يكديگر، به توحيد كلمه و همسبتگى و اتحاد جوامع اسلامى دست يابند.

حج جلوه گاه معنويت، شور و شعور، تعبد و بندگى، شهامت و ايثار، وحدت و ذكر و بالأخره ارتباط و پيوند با خدا است. از اين رو توفيق انجام چنين سفرى، فرصتى مغتنم براى خداجويان است تا از نظر روحى و اخلاقى خود را پالايش نموده، دگرگونى و تحوّل سازنده اى در جان و روح آنان پديد آيد.

در آموزه هاى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و پيشوايان دينى، نكات آموزنده فراوانى وجود دارد كه مى تواند زائران وادى نور را در بهره بردارى هرچه بيشتر از فرصت ها يارى دهد. در اين آموزه ها به حاجيان توصيه شده است تا پيش از سفر، از گناهان فاصله گرفته، جان خود را با آب توبه بشويند، هزينه هاى سفر را از مال حلال و پاك تأمين نمايند، با خويشان و بستگان و دوستان و همسايگان خداحافظى نموده، حلاليت بطلبند و پس از جلب رضايت آنان، گام در اين راه بگذارند. سفر را با نام و ياد خدا و با هدف خداخواهى و خداجويى آغاز كنند و در طول سفر نيز از گناه و نافرمانى پروردگار دورى جسته، مراقب خود باشند و... .

اين دستور العمل ها و عمل به آن ها، موجب مى شود تا در حاجى يك تحول و دگرگونى اساسى پديد آيد و در نتيجه از گذشته احياناً غلط و نادرست خويش فاصله گرفته، خود را براى يك زندگى صحيح و اسلامى آماده سازند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خانه كعبه خانه دل هاست  |  | ساحت قدس و جلوه گاه خداست  |
| نيكبخت آن كه همچو پروانه  |  | در طواف است گرد آن خانه  |

در روايات، هدف از حج ايجاد فلاح و رستگارى و تحوّل روحى و اخلاقى در زائران و نزديك شدن آنان به خداوند ذكر شده است.

اگر حج گزاران با هدف تحوّل روحى و اخلاقى و اصلاح خود، گام در اين مسير الهى بگذارند، با توجّه به جمعيّت انبوهى كه همه ساله به عمره و حج مشرف مى شوند، بى شك اين تحوّل به خانواده ها و جامعه نيز منتقل خواهد شد.

هر مسلمانى كه به حج مى رود، اگر تصميم بگيرد كه در طول سفر و هنگام بازگشت، اخلاق اسلامى را مراعات نموده، از كارهاى حرام بپرهيزد و واجبات دينى را آن گونه كه خداوند مى خواهد انجام دهد و همين فكر و انديشه را به فرزندان و خويشان و دوستان و همكاران خود نيز منتقل كند، قطعاً در جامعه تحوّل اخلاقى مهمّى رخ خواهد داد و دشمنان در تهاجم فرهنگى خود ناكام خواهند شد.

مجموعه حاضر، بخشى از آموزه هايى است كه معصومان عليهم‌السلام به عنوان راهنمايى زائران خانه خدا بيان

فرموده اند. اميد است با عمل به آن، خود را به حضرت حق نزديك و از بركات و نورانيت اين سفر الهى و معنوى كاملا بهره مند گردند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى خداى مقصد و مقصود من  |  | اى تو هم سوداى من هم سود من  |
| خواب و بيدارى من از بهر تو است  |  | الفت و آزادى ام در شهر تو است  |
| من ندارم حاجتى جز روى تو  |  | من نجويم مقصدى جز كوى تو  |
| از تو غير از تو ندارم حاجتى  |  | جز به ذكر تو نبينم راحتى  |
| تشنه ام سيرابيم در دست تو است  |  | تابش و بينائيم پابست تو است  |
| خسته ام آسايش جانم تويى  |  | درد دارم درد و درمانم تويى  |

سيّدعلى قاضى عسكرمعاون آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبرى

# وجوب حج

قال على عليه‌السلام :

«فَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلاَْنَامِ». (١)

«خداوند حجّ خانه با احترام خويش را كه قبله مردمانش قرارداده است، بر شما واجب گردانيد.»

قال على عليه‌السلام :

فَرَضَ حَجَّهُ وَأَوْجَبَ حَقَّهُ وَكَتَبَ عَلَيْكُمْ وِفَادَتَهُ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: وَ لِلّهِ عَلَى النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعالَمِينَ . (٢)

«خداوند حجّ را واجب و اداى حقّ آن را لازم و زيارتش را بر شما مقرّر ساخت، پس فرمود: حقّ خداوند بر مردمانى كه توان رسيدن به آن خانه را دارند، آن است كه حجّ خانه خدا را بجاى آورند و آن كس كه كفر پيشه كند، پس همانا خداى از تمامى جهانيان بى نياز است.

# فلسفه حجّ

قال على عليه‌السلام :

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلامَةً لِتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَاِذعانَهُمْ لِعِزَّتِهِ». (٣)

«خداوند حجّ را نشانه قرار داد تا بندگان در برابر عظمت او فروتنى نموده، به عزّت و بزرگوارى پروردگار اعتراف كنند.»

قال عَليّ عليه‌السلام :

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ لِلاِْسْلامِ عَلَماً وَ لِلْعَائِذِينَ حَرَماً». (٤)

«خداوند حجّ و كعبه را نشان و پرچمى براى اسلام قرار داد و براى پناه آورندگان، آنجا را خانه امن ساخت...»

# حج وسيله تقويت دين

قال عَلِيّ عليه‌السلام :

«وَ الْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ». (٥)

«خداوند حج را وسيله تقويت دين قرار داد.»

# حج آرام بخش دل ها

قال الباقر عليه‌السلام :

«الحَجُّ تَسْكِين القُلُوبُ». (٦)

«حجّ آرامش بخش دلها است.»

# تارك حج

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَحُجَّ فَلْيَمُتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيّاً وَ إِنْ شَاءَ نَصْرَانِيّاً». (٧)

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

هر كس حجّ به جاى نياورده بميرد ]به او گفته شود [اگر خواهى يهودى بمير و اگر خواهى نصرانى.

همين مضمون در روايت ديگرى از ششمين پيشوا، حضرت امام صادق عليه‌السلام نقل شده است. (٨)

اين روايات بيانگر اهمّيت و جايگاه والاى حج در اسلام است به گونه اى كه تارك اين فريضه مهمّ، چونان انسان مسلمان خارج شده از دين به شمار مى آيد.

# حج و رستگارى

از امام باقر عليه‌السلام پرسيدند:

حج را چرا حجّ نامگذارى كردند؟

«قَالَ حَجَّ فُلانٌ أَيْ أَفْلَحَ فُلانٌ». (٩)

«فرمود: فلان كس حجّ كرد يعنى رستگار شد.»

# ارزش حج

محمّد بن مسلم گويد:

امام باقر عليه‌السلام يا امام صادق عليه‌السلام (١٠) فرمود:

«وَدَّ مَنْ فِي الْقُبُورِ لَوْ أَنَّ لَهُ حَجَّةً وَاحِدَةً بِالدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا». (١١)

«مردگان در گورهايشان آرزو مى كنند:

كاش دنيا و آنچه در دنيا هست را داده و به جاى آن پاداش يك حج به آنها داده مى شد.»

# حق حج

قال الإمام زَيْنُ العابِدِين عليه‌السلام فِي رِسالَةِ الحُقُوق:

«حَقُّ الْحَجِّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وِفَادَةٌ إِلَى رَبِّكَ وَفِرَارٌ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ وَ فِيهِ قَبُولُ تَوْبَتِكَ وَقَضَاءُ الْفَرْضِ الَّذِي أَوْجَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ». (١٢)

امام سجّاد عليه‌السلام زينت عبادت كنندگان در رساله حقوق فرمود:

«حقّ حجّ بر تو آن است كه بدانى، حجّ وارد شدن به محضر ربّ و پرورش دهنده تو است، و گريختن از گناهانت به سوى او است، و در حجّ توبه ات پذيرفته مى شود، و اداى تكليفى است كه خداوند آن را بر تو واجب گردانيده بود.»

# خداجويى

قال الصادق عليه‌السلام :

«مَنْ حَجَّ يُرِيدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لا يُرِيدُ بِهِ رِيَاءً وَ لا سُمْعَةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الْبَتَّةَ». (١٣)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

«كسى كه حجّ انجام دهد و خدا را اراده كند و قصد ريا و شهرت طلبى نداشته باشد قطعاً خداوند او را خواهد بخشيد.

# پاداش حجّ

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

«لَيْسَ لِلْحِجَّةِ المَبْرُورَةِ ثَوابٌ اِلاّ الجَنَّةَ» (١٤)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

«حجّ مقبول پاداشى جز بهشت ندارد.»

# تأثير حج

هشام بن حكم گويد:

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

مَا مِنْ سَفَر أَبْلَغَ فِي لَحْم وَ لا دَم وَ لا جِلْد وَ لا شَعْر مِنْ سَفَرِ مَكَّةَ وَ مَا أَحَدٌ يَبْلُغُهُ حَتَّى تَنَالَهُ الْمَشَقَّةُ. (١٥)

هيچ سفرى مانند سفر مكّه در گوشت و خون و پوست و موى انسان تأثير نمى گذارد و هيچ كس جز با سختى و مشقت به آنجا نمى رسد.

# نقش نيّت در حجّ

قَالَ الصَّادِقُ عليه‌السلام :

لَمَّا حَجَّ مُوسَى عليه‌السلام نَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ عليه‌السلام فَقَالَ لَهُ مُوسَى يَا جَبْرَئِيلُ... ما لِمَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ بِنِيَّة صَادِقَة وَ نَفَقَة طَيِّبَة؟ قَالَ: فَرَجَعَ إِلَى اللَّهِ عَزّوَجَلّ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعالى إِلَيْهِ; قُلْ لَهُ: أَجْعَلُهُ فِي الرَّفِيقِ الاَْعْلَى مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقاً. (١٦)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هنگامى كه موسى عليه‌السلام حج انجام داد جبرئيل بر وى نازل شد، سپس موسى عليه‌السلام به او گفت:

اى جبرائيل:

براى كسى كه حجّ اين خانه را با نيّتى صادق و هزينه اى پاك به جاى آورد چه پاداشى مقرّر شده است؟

جبرئيل بدون پاسخ به سوى خداوند عزّوجلّ بازگشت ] و پاسخ آن را جويا شد [ خداوند به او وحى كرده و فرمود:

به او بگو:

وى را در ملكوت اعلى همراه و همنشين با پيامبران و صدّيقان و شهيدان و صالحان قرار خواهم داد و اينها همراهان خوب و شايسته اى هستند.

# ورود در نور

عبدالرَّحْمانِ بن سَمُرَة گويد:

روزى نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بوديم آن حضرت فرمود:

إِنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَجَائِبَ.

من ديشب شگفتى ها و عجائبى را ديدم!

ما گفتيم: اى رسول خدا، جان و خانواده و اولادمان فدايت باد چه ديديد؟ براى ما بگوييد:

فقال:...

رَأَيْتُ رَجُلا مِنْ أُمَّتِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ظُلْمَةٌ وَ مِنْ خَلْفِهِ ظُلْمَةٌ وَ عَنْ يَمِينِهِ ظُلْمَةٌ وَ عَنْ شِمَالِهِ ظُلْمَةٌ وَ مِنْ تَحْتِهِ ظُلْمَةٌ، مُسْتَنْقِعاً فِي الظُّلْمَةِ فَجَاءَهُ حَجُّهُ وَ عُمْرَتُهُ فَأَخْرَجَاهُ مِنَ الظُّلْمَةِ وَ أَدْخَلاهُ فِي النُّورِ.... (١٧)

فرمود:

مردى از امّت خود را ديدم كه، از روبرو و پشت سر و از سوى راست و چپ و از زير پا، تاريكى وى را فراگرفته و غرق در ظلمت بود، در اين حال حج و عمره او آمده، و وى را از ظلمت و تاريكى رها ساخته، در نور وارد كردند.

# ورود به محضر حقّ

قالَ عَلِىٌّ عليه‌السلام :

اَلْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَفْدُ اللَّهِ، وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَفْدَهُ وَ يَحْبُوَهُ بِالْمَغْفِرَةِ. (١٨)

على عليه‌السلام فرمود:

حج گزار و عمره گزار، واردشدگان بر خداوند مى باشند و بر خدا است كه وارد شده بر خود را گرامى داشته، او را مشمول مغفرت و آمرزش خويش قرار دهد.

# ميزبانى خداوند

قال الصّادق عليه‌السلام :

إِنَّ ضَيْفَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رَجُلٌ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ. (١٩)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

مردى كه حج يا عمره انجام دهد ميهمان خدا است و تا زمانى كه به منزل خود بازگردد در اين ميهمانى قرار دارد.

# حج و جهاد

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

جِهادُ الْكَبيرِ والصَّغيرِ والضَّعيفِ والْمَرأَةِ الْحَجُّ والْعُمْرَةُ. (٢٠)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

جهاد بزرگ و كوچك، زنان و افراد ناتوان حج و عمره است.

# حج برتر از عمره

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به عثمان بن أبى العاص فرمود:

اِعْلَمْ اَنَّ الْعُمْرَةَ هِيَ الْحَجُّ الأصْغَرُ، وَاَنَّ عُمْرَةً خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيا وما فيها وَحَجَّةً خَيْرٌ مِنْ عُمْرَة. (٢١)

بدان عمره همان حج اصغر است. و همانا يك عمره از دنيا و آنچه در آن است بهتر و بالاتر است. و نيز بدان كه حج از عمره برتر و بهتر است.

# ريزش گناهان

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

اَىُّ رَجُل خَرَجَ مِنْ مَنزِلِه حاجّاً اَوْ مُعْتَمِراً، فكُلَّما رَفَعَ قَدَماً وَوَضَعَ قَدَماً، تَناثَرَتِ الذُّنُوبُ مِنْ بَدَنِهِ كَما يَتَناثَرُ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ، فَاِذا وَرَدَ الْمَدينَةَ وصافَحَنى بِالسَّلامِ، صافَحَتْهُ المَلائِكَةُ بِالسَّلامِ، فَاِذا وَرَدَ ذَالْحُلَيْفَةَ واغْتَسَلَ، طَهَّرَه اللّهُ مِنَ الذّنُوبِ، وَإِذا لَبِسَ ثَوْبَيْنِ جَديدَيْنِ، جَدَّدَ اللّهُ لَهُ الْحَسَناتِ واِذا قالَ: لَبَّيْكَ اللّهُمَّ لَبَّيْكَ، أَجابَهُ الرَّبُّ عَزَّوَجَلّ: «لَبَّيْكَ و سَعْدَيْكَ، اَسْمَعُ كَلامَكَ و اَنْظُرُ اِلَيْكَ، فَاِذا دَخَلَ مَكَّةَ وطافَ و سَعى بَيْنَ الصَّفا والْمَروَةَ وَصَلَ اللّهُ لَهُ الْخَيْراتِ... . (٢٢)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

هرمردى كه براى حج ياعمره از منزل خود بيرون رود، پس هر قدمى كه برمى دارد و به زمين مى گذارد، گناهان از بدن او فرو مى ريزند، همان گونه كه برگ از درخت.

پس آن گاه كه وارد مدينه شده و به وسيله سلام با من مصافحه كند، فرشتگان به وسيله سلام به او دست داده، مصافحه مى كنند. وآن گاه كهواردذوالحليفه (مسجد شجره) گرديده و غسل كند، خداوند وى را از گناهان پاك گرداند. و آنگاه كه دو جامه جديد احرام را بر تن كند، خداوند پاداش ها و حسنات جديد به او عنايت مى كند، و آن گاه كه لبّيك اللّهم لبّيك گويد خداوند عزّوجل به او پاسخ مى دهد: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْك كلام و سخن تو را مى شنوم، و به تو ] با نظر عنايت [مى نگرم، و آن گاه كه وارد مكه شده، طواف و سعى بين صفا و مروه را انجام دهد، خداوند خيرات و خوبى ها را پيوسته بر او نازل كند... .

# پذيرش دعا

قالَ رَسُولُ اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

اَرْبَعَةٌ لاتُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ حَتّى تُفْتَحَ لَهُمْ اَبْوابُ السَّماءِ و تَصيرَ إلَى الْعَرْشِ:

اَلْوالِدُ لِوَلَدِهِ، والْمَظْلُومُ عَلى مَنْ ظَلَمَهُ، والْمُعْتَمِرُحَتّى يَرْجِعَ،والصّائِمُ حَتّى يُفْطِرَ. (٢٣)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

چهارنفرند كه دعاى آنان برنمى گردد تا آن كه درهاى آسمان براى آنها گشوده شده و به عرش الهى برسد:

١ ـ دعاى پدر براى فرزند

٢ ـ دعاى مظلوم عليه ظالم

٣ ـ دعاى عمره گذار تا زمانى كه برمى گردد.

٤ ـ دعاى روزه دار تا هنگامى كه افطار كند.

# دستيابى به دنيا و آخرت

قالَ رَسُولُ اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

مَنْ اَرادَ الدُّنْيا والآخِرَةَ فَلْيَؤُمَّ هذَا البَيْتَ، فَما أتاهُ عَبْدٌ يَسْأَلُ اللّهَ دُنْيا اِلاّ أَعْطاهُ اللّهُ مِنْها، ولا يَسْأَلُهُ آخِرَةً اِلاّ ادَّخَرَ لَهُ مِنْها. (٢٤)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

هركس دنيا و آخرت را مى خواهد، آهنگ اين خانه كند، همانا بنده اى به آن جا نيامده و از خداوند دنيا را نخواسته مگر آنكه بدان دست يافته و خداوند حاجت او را برآورده ساخته است، و نيز از خداوند آخرت را طلب نكرده مگر آن كه پذيرش اين درخواست را براى وى ذخيره كرده است.

# حج آگاهانه

قالَ رَسُولُ اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم في خُطْبَتِهِ يَوْمَ الْغَدير:

مَعاشِرَ النّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمالِ الدّينِ والتَّفَقُّه، ولاتَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشاهِدِ اِلاّ بِتَوْبَة واِقْلاع. (٢٥)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در خطبه روز غدير فرمود:

اى مردم، خانه خدا را با بصيرت و ديندارى كامل زيارت كنيد واز آن مكان ها جز با توبه و رهاشدن از گناه باز نگرديد.

# شرط حضور

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام كَانَ أَبِي يَقُولُ:

مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ حَاجّاً أَوْ مُعْتَمِراً مُبَرَّأً مِنَ الْكِبْرِرَجَعَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. (٢٦)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پدرم امام باقر عليه‌السلام پيوسته مى فرمود: كسى كه براى حج يا عمره قصد اين خانه كند، در حالى كه از كبر و خودپسندى برى باشد، از گناهان پاك مى شود همانند روزى كه از مادر متولّد شده است.

# بركات حج

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام :

حُجُّوا وَ اعْتَمِرُوا، تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ، وَ تَتَّسِعْ أَرْزَاقُكُمْ، وَ تُكْفَوْا مَؤُوناتِ عِيَالِكُمْ، وَقَالَ:

الْحَاجُّ مَغْفُورٌ لَهُ وَمَوْجُوبٌ لَهُ الْجَنَّةُ، وَمُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ، وَمَحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ. (٢٧)

از امام صادق عليه‌السلام روايت شده كه فرمود:

 پدرم [على بن الحسين عليه‌السلام فرمود: حج و عمره به جاى آوريد تا بدن هاى شما سالم، روزى هاى شما افزون، و هزينه هاى خانواده ] و زندگى [شما تأمين گردد.

امام همچنين فرمودند:

حاجى آمرزيده مى شود، بهشت بر او واجب مى گردد، نامه عمل او از نو نوشته مى شود و مال و خانواده اش در امان مى مانند.

# حجّ مردود

عَنْ أَبِي جَعْفَر الْبَاقِرِ عليه‌السلام قَالَ:

مَنْ أَصَابَ مَالا مِنْ أَرْبَع لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي أَرْبَع: مَنْ أَصَابَ مَالا مِنْ غُلُول أَوْ رِبًا أَوْ خِيَانَة أَوْ سَرِقَة لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي زَكَاة وَ لا صَدَقَة وَ لا حَجّ وَ لا عُمْرَة. (٢٨)

امام باقر عليه‌السلام فرمود:

كسى كه از چهار طريق مال و پولى به دست آورد. ] هزينه كردن آن [ در چهار چيز پذيرفته نشود:

كسى كه پولى را از راه آلودگى و فريب، ربا، خيانت و دزدى به دست آورد ] مصرف آن [در زكات، صدقه و حج و عمره پذيرفته نگردد.

# حج با مال حرام

قال أبو جعفر عليه‌السلام :

لا يَقْبَلُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ حَجّاً ولا عُمْرَةً مِنْ مال حرام. (٢٩)

امام باقر عليه‌السلام فرمود:

خداوند حج و عمره گزاردن با مال حرام را نمى پذيرد.

# اخلاق حاجى

عَنْ أَبِي جَعْفَر عليه‌السلام قَالَ:

مَا يُعْبَأُ مَنْ يَسْلُكُ هَذَا الطَّرِيقَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلاثُ خِصَال: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ، وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ، وَ حُسْنُ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ. (٣٠)

امام باقر عليه‌السلام فرمود:

كسى كه به حج مى رود و اين راه را طىّ مى كند اگر سه خصلت در وى نباشد مورد عنايت و توجه قرار نمى گيرد:

١ ـ ورع و پارسائى كه او را از گناه باز دارد.

٢ ـ صبروبردبارى كه بتواند خشم خود را در اختيار گيرد.

٣ - خوش رفتارى با همراهان.

# حج موفق

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

مَنْ حجَّ أوِ اعْتَمَرَ فَلَمْ يَرْفَثْ وَلَمْ يَفسُقْ يَرْجِع كَهَيئَةِ يَوْم وَلَدَتْهُ اُمُّهُ. (٣١)

كسى كه حج يا عمره انجام دهد و در آن گناه و فسقى مرتكب نگردد، برمى گردد، همانند روزى كه از مادر متولد شده است.

# اقسام حجّ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

الْحَجُّ حَجَّانِ: حَجٌّ لِلَّهِ، وَ حَجٌّ لِلنَّاسِ، فَمَنْ حَجَّ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (٣٢)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

حج بر دو نوع است:

حج براى خدا و حج براى مردم، پس آن كس كه براى خدا حج گزارد پاداشش را از خدا بهشت مى گيرد. و آن كس كه براى مردم حج مى گذارد پاداشش در روز قيامت بر عهده مردم است.

# اقسام حاجيان

معاوية بن عَمار گويد:

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

الْحَاجُّ يَصْدُرُونَ عَلَى ثَلاثَةِ أَصْنَاف: فَصِنْفٌ يَعْتِقُونَ مِنَ النَّارِ، وَ صِنْفٌ يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْم وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، وَصِنْفٌ يُحْفَظُ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ، فَذَلِكَ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ. (٣٣)

حاجيان به سه دسته تقسيم مى شوند:

يك دسته از آتش دوزخ رهايى مى يابند، و دسته ديگر از گناهان پاك مى شوند همانند روزى كه مادر آن ها را بزاد، و دسته سوم خاندان و مال آنها ايمن و بيمه شود و اين كمترين پاداشى است كه حاجيان دريافت مى كنند.

# حاجيان نا موفّق

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

يَأتي عَلَى النّاسِ زَمانٌ يَحُجُّ أغنِياءُ أمَّتي لِلنُّزهَةِ، وأوْساطُهُمْ لِلتِجارةِ، وقُرّاؤُهُمْ للريّاءِ والسُّمْعَةِ وفُقَرائُهُم لِلمسألةِ. (٣٤)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

زمانى بر مردم خواهد آمد كه: ثروتمندان امت من براى تفريح و خوشگذرانى، و قشر ميانه براى داد و ستد و قاريان براى ريا و شهرت و فقيران براى درخواست به حج مى روند.

# سلوك با همسفران

قال الصادق عليه‌السلام :

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام :

وَطِّنْ نَفْسَكَ عَلَى حُسْنِ الصِّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبْتَ فِي حُسْنِ خُلْقِكَ، وَ كُفَّ لِسَانَكَ، وَ اكْظِمْ غَيْظَكَ، وَ أَقِلَّ لَغْوَكَ، وَ تَفْرُشُ عَفْوَكَ، وَ تَسْخُو نَفْسَكَ. (٣٥)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

خويشتن را آماده ساز تا با هر كس همراه مى شوى همنشينى خوب و خوش اخلاق باشى، زبانت را نگه دار و خشمت را فرو نشان، كار بيهود و بى فايده كم كن عفو و بخشش ات رابراى ديگران بگستران و سخى و گشاده دست باش.

# آزار در راه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَنْ أَمَاطَ أَذًى عَنْ طَرِيقِ مَكَّةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ كَتَبَ لَهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ. (٣٦)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

كسى كه در راه مكّه آزارى ببيند، خداوند براى او حسنه اى مى نويسد، و كسى كه خداوند براى او حسنه اى بنويسد، او را عذاب نمى كند.

# مرگ در راه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَان عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ: مَنْ مَاتَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ ذَاهِباً أَوْ جَائِياً أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الاَْكْبَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (٣٧)

عبدالله بن سنان گويد:

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

كسى كه در راه رفتن يا بازگشتن از مكه بدرود حيات گويد، از ترس و هراس روز قيامت ايمن گردد.

# انفاق در حج

قال الصّادق عليه‌السلام :

«دِرْهَمٌ فِي الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفَيْ أَلْف فِيمَا سِوَى ذَلِكَ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ». (٣٨)

«امام صادق عليه‌السلام فرمود:

يك درهم در راه حجّ هزينه كردن، بهتر و بالاتر از دو ميليون درهم است كه در غير حجّ در راه خدا هزينه شود.»

# فلسفه احرام

عَنِ الرِّضَا عليه‌السلام :

فَاِنْ قالَ: فَلِمَ اُمِرُوا بِالإحْرامِ؟ قيل: لاَِن يَتَخَشَّعُوا قَبْلَ دُخُولِ حَرَمَ اللَّهِ عزّوجلّ وَ اَمْنِهِ وَ لِئَلاّ يَلْهُوا وَ يَشْتَغِلُوا بِشَيْء مِنْ أمْرِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَ لَذَّاتِهَا وَ يَكُونُوا جَادِّينَ فِيمَا هُمْ فِيهِ قَاصِدِينَ نَحْوَهُ، مُقْبِلِينَ عَلَيْهِ بِكُلِّيَّتِهِمْ، مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّعْظِيمِ لِلَّهِ تَعالى وَ لِبَيْتِهِ، وَالتَّذَلُّلِ لاَِنْفُسِهِمْ عِنْدَ قَصْدِهِمْ إِلَى اللَّهِ تَعالى وَوِفَادَتِهِمْ إِلَيْهِ، رَاجِينَ ثَوَابَهُ، رَاهِبِينَ مِنْ عِقَابِهِ، مَاضِينَ نَحْوَهُ، مُقْبِلِينَ إِلَيْهِ بِالذُّلِّ وَ الِاسْتِكَانَةِ وَ الْخُضُوعِ. (٣٩)

امام رضا عليه‌السلام فرمود: اگر گويند: چرا مردم به احرام امر شده اند؟ پاسخ داده شود:

براى اينكه مردم پيش از ورود به حرم خدا و جايگاه امن او خاشع و فروتن شوند، و به چيزى از امور دنيا و لذت ها و زينت هاى آن خود را مشغول و سرگرم نكنند، و براى كارى كه آمده اند و قصد انجام آن را دارند صابر و شكيبا باشند و با تمام وجود به آن بپردازند و به آن رو كنند، علاوه بر اينها در احرام، تعظيم خداوند و خانه او، تواضع و ذلت درونى قاصدين او، و وارد شدن بر او است، در حالى كه اميد پاداش از او دارند و از عقاب و مجازات او ترسناك اند، و با حالت فروتنى و تواضع و خوارى رو به سوى او دارند.

# ادب احرام

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام :

إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَ ذِكْرِ اللهِ كَثِيراً، وَ قِلَّةِ الْكَلامِ إِلاّ بِخَيْر، فَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ أَنْ يَحْفَظَ الْمَرْءُ لِسَانَهُ إِلاّ مِنْ خَيْر. (٤٠)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هنگامى كه محرم شدى، بر تو لازم است كه باتقوا باشى، خداوند را بسيار ياد كنى، جز به نيكى سخن نگويى، پس همانا درست و كامل شدن حج و عمره به آن است كه انسان زبان خود را جز به نيكى باز نكند.

# لبيك حقيقى

قالَ رَسُولِ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

ما مِنْ مُلَبٍّ يُلَبّى اِلاّ لَبّى ما عَنْ يَمينِهِ وَشِمالِهِ مِنْ حَجَر اَوْ شَجَر اَوْ مَدَر حَتّى تَنْقَطِعَ الاَرْضُ مِن هاهُنا و هاهُنا. (٤١)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

هيچكس لبيك نمى گويد مگر آنكه از سوى راست و چپ، سنگ و درخت و كلوخ با او لبيك گويند، تا آن جا كه زمين را از اينجا و آنجا پشت سر گذارد.

# شعار حجّ

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

أَتَانِي جَبْرَئِيلُ عليه‌السلام فَقَالَ:

اِنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ يَأْمُرُكَ اَنْ تَأْمُرَ أَصْحَابَكَ أَنْ يَرْفَعُوا أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّلْبِيَةِ فَإِنَّها شِعَارُ الْحَجِّ. (٤٢)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

جبرئيل عليه‌السلام نزد من آمد و گفت: همانا خداى عزّوجل تو را فرمان مى دهد كه به ياران و اصحاب خود دستور دهى صدايشان را به لبيك گفتن بلند كنند زيرا آن شعار حج است.

# ورود آگاهانه

قالَ الباقِرُ عليه‌السلام :

مَنْ دَخَلَ هذَا الْبَيْتَ عارِفاً بِجَميع ما اَوْجَبَهُ الله عَلَيْهِ كانَ آمِناً في الآخِرَةِ مِنَ الْعَذابِ الدّائِمِ. (٤٣)

امام باقر عليه‌السلام فرمود:

هركس داخل اين خانه شود، و نسبت به همه آنچه خداوند بر او واجب فرموده آگاه باشد، از عذاب هميشگى روز قيامت ايمن خواهد بود.

# ايمن از خشم خدا

عبدالله بن سنان گويد:

از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم: فرموده خداوند عزّوجلّ «وَمَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً (٤٤) كه هركس داخل آن گردد در امان است، آيا مراد خانه است يا حرم؟

قَالَ: مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ مِنَ النَّاسِ مُسْتَجِيراً بِهِ فَهُوَ آمِنٌ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ... . (٤٥)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هركس از مردم داخل حرم شود و به آن جا پناه آورد از خشم خداوند در امان خواهد بود.

# مكّه حرم خدا و رسول

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَكَّةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام ، الصَّلاةُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ صَلاة، وَالدِّرْهَمُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَم، وَ الْمَدِينَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ـ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا ـ الصَّلاةُ فِيهَا بِعَشَرَةِ آلافِ صَلاة وَ الدِّرْهَمُ فِيهَا بِعَشَرَةِ آلافِ دِرْهَم. (٤٦)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

مكّه حرم خداوند و حرم فرستاده او ]محمّد بن عبدالله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم [ و حرم امير مؤمنان على بن ابى طالب عليه‌السلام است ]يك ركعت[ نماز در آن برابر با يك صد هزار نماز، و يك درهم انفاق در آن برابر با يك صد هزار درهم است. و مدينه حرم خدا و حرم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و حرم امير مؤمنان على بن ابى طالب عليه‌السلام است، نماز در آن ده هزار نماز و انفاق يك درهم در آن ده هزار درهم پاداش دارد.

# آداب ورود به مسجد الحرام

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَادْخُلْهُ حَافِياً عَلَى السَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ وَ الْخُشُوعِ... . (٤٧)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هنگامى كه به مسجد الحرام وارد شدى، با پاى برهنه و با آرامش و متانت و خشوع داخل شو.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پى نوشت ها :

١ ـ نهج البلاغة: خ١

٢ ـ وسائل الشيعه: ١١/١٥ ـ نهج البلاغه: خ١

در نهج البلاغه «فَرَضَ حَقَّهُ وَ أَوْجَبَ حَجَّهُ...» آمده است.

٣ ـ نهج البلاغه، خ١

٤ ـ وسائل الشيعة: ١١/١٥ ـ نهج البلاغه: خ١

٥ ـ نهج البلاغه: خ١

٦ ـ بحار الانوار: ٧٥/١٨٣

٧ ـ مستدرك الوسائل: ٨/١٨ ـ محجّة البيضاء: ٢/١٤٥

٨ ـ محجّة البيضاء: ٢/١٤٥

٩ ـ وسائل الشيعة: ١١/١٠٣ ـ علل الشرايع: ٤١١/١

١٠ ـ ترديد از راوى است.

١١ ـ وسائل الشيعة: ١١/١١٠ ـ تهذيب الاحكام: ٥/٢٣

١٢ ـ من لا يحضره الفقيه: ٢/٦٢٠/٣٢١٤

١٣ ـ وسائل الشيعة: ١١/١٠٩ ـ ثواب الاعمال: ٧٠/٢

١٤ ـ سنن ترمذى: ٣/١٧٥/٨١٩٠

١٥ ـ الكافى: ٤/٢٦٢/٤١

١٦ ـ من لا يحضره الفقيه: ٢/٢٣٥/٢٨٧

١٧ ـ أمالى صدوق: ٣٠١ / ٣٤٢ ـ مستدرك الوسائل: ٨ / ٣٩

١٨ ـ وسائل الشيعه: ٤/١١٦ ـ تحف العقول: ١٢٣

١٩ ـ خصال: ١٢٧ ـ وسائل الشيعه: ١٤/٥٨٦

٢٠ ـ سنن نسائى: ٥/١١٤

٢١ ـ معجم الكبير طبرانى: ٩/٤٤/٨٣٣٦

٢٢ ـ الحجّ والعمره في القرآن والحديث: ١٤٨/٣٢٥

٢٣ ـ كافى: ٢/٥١٠/٦

٢٤ ـ مسند الامام زيد: ١٩٧

٢٥ ـ الحج والعمرة في القرآن و الحديث، ٢٥٧/٧١٨

٢٦ ـ كافى: ٤/٢٥٢/٢

٢٧ ـ كافى: ٤/٢٥٢/١

٢٨ ـ امالى صدوق: ٤٤٢ ـ وسائل الشيعه: ١١/١٤٥

٢٩ ـ بحارالانوار: ٩٣/١٢٠

٣٠ ـ كافى: ٤ / ٢٨٦ / ٢

٣١ ـ سنن دارقطنى: ٢ / ٢٨٤

٣٢ ـ ثواب الاعمال: ٧٤/١٦

٣٣ ـ تهذيب الأحكام: ٥/٢١/٥٩

٣٤ ـ تاريخ بغداد: ١٠/٢٩٦ ـ الحجّ والعمرة في الكتابوالسنّة: ٢٤٤/٦٧٢

٣٥ ـ كافى: ٤/٢٨٦/٣

٣٦ ـ كافى: ٤/٥٤٧/٣٤

٣٧ ـ تهذيب الاحكام: ٥/٢٣/٦٨

٣٨ ـ تهذيب الأحكام: ٥/٢٢

٣٩ ـ عيون اخبار الرضا: ٢/٢٥٨ ـ وسائل الشيعه: ١٢/٣١٤

٤٠ ـ كافى: ٤/٣٣٧/٣

٤١ ـ سنن ابن ماجه: ٢/٩٧٥/٢٩٢١

٤٢ ـ مستدرك الوسائل: ٩/١٧٧ ـ سنن دارمى: ١/٤٦٢/١٧٥٥

٤٣ ـ عوالى اللّآلى: ٢/٨٤/٢٢٧

٤٤ ـ آل عمران: ٩٦

٤٥ ـ كافى: ٤/٢٢٦/١

٤٦ ـ كافى: ٤/٥٨٦/١

٤٧ ـ كافى: ٤/٤٠١

# قصرهاى بهشتى

قَالَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام :

أَرْبَعَةٌ مِنْ قُصُورِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ، وَمَسْجِدُ الرَّسُولِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ، وَ مَسْجِدُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَمَسْجِدُ الْكُوفَةِ. (١)

علىّ بن ابى طالب عليه‌السلام فرمود:

چهار مكان از كاخ هاى بهشتى در دنيا است:

١ - مسجدالحرام، ٢ - مسجد النّبى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ، ٣ - مسجد الاقصى، ٤ ـ مسجد كوفه.

# نماز در حرمين

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شَيْبَةَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَر عليه‌السلام أَسْأَلُهُ عَنْ إِتْمَامِ الصَّلاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ، فَكَتَبَ إِلَيَّ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم يُحِبُّ إِكْثَارَ الصَّلاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَأَكْثِرْ فِيهِمَا وَ أَتِمَّ. (٢)

ابراهيم بن شيبه گويد:

به امام باقر عليه‌السلام نامه نوشتم و از تمام بودن نماز در مكّه و مدينه پرسيدم. امام در پاسخ مرقوم فرمود:

پيوسته رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم زياد نماز گزاردن در مسجد الحرام و مسجد النّبى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را دوست مى داشت، پس زياد در آن دو مكان نماز بخوان و نمازت را نيز تمام بخوان.

# نماز جماعت در مكّه

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْر، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي جَمَاعَة فِي مَنْزِلِهِ بِمَكَّةَ أَفْضَلُ أَوْ وَحْدَهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَقَالَ: وَحْدَهُ. (٣)

احمد بن محمّد بن ابى نصر گويد:

از علىّ بن موسى الرّضا عليه‌السلام پرسيدم; اگر مردمى نماز را در خانه اش در مكّه به جماعت بخواند افضل و برتر است يا آن كه به تنهايى در مسجد الحرام؟

حضرت فرمود: به تنهايى در مسجد الحرام.

# نماز با اهل سنّت

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّار، قَالَ:

«قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام :

يَا إِسْحَاقُ أَ تُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: صَلِّ مَعَهُمْ فَإِنَّ الْمُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الاَْوَّلِ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (٤)

اسحاق بن عمّار گويد:

«امام صادق عليه‌السلام به من فرمود:

اى اسحاق، آيا با آنان (يعنى اهل سنّت) در مسجد نماز مى خوانى؟

گفتم: آرى.

حضرت فرمود: با آنان نماز بخوان، همانا كسى كه با آنها در صف اوّل نماز بخواند، مانند سرباز جهادگرى است كه در راه خدا شمشمير زند و با دشمنان دين نبرد كند.»

# چرا مكعب؟

رُوِيَ أَنَّهُ إِنَّمَا سُمِّيَتْ كَعْبَةً لاَِنَّهَا مُرَبَّعَةٌ وَ صَارَتْ مُرَبَّعَةً لاَِنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ وَ صَارَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ مُرَبَّعاً لاَِنَّهُ بِحِذَاءِ الْعَرْشِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ، وَ صَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعاً، لاَِنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي بُنِيَ عَلَيْهَا الاِْسْلامُ أَرْبَعٌ، وَ هِيَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا إِلَهَ إِلاّ اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. (٥)

مرحوم صدوق رحمه‌الله فرموده كه در روايتى اين چنين آمده است:

كعبه را كعبه ناميده اند چون مربّع است، و از اين رو مربّع ساخته شده كه مقابل بيتُ المعمور است و آن هم مربّع است، و بيت المعمور مربّع گرديده به دليل اينكه مقابل عرش خدا است كه آن هم مربّع است، و عرش مربّع گرديده زيرا كلماتى كه اسلام بر آن بنا شده چهار كلمه است: و آن ها عبارتند از: سبحان الله، والحمد لله، ولااله الا الله، والله اكبر.

# نگاه به كعبه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ لَمْ يَزَلْ تُكْتَبُ لَهُ حَسَنَةٌ، وَتُمْحَى عَنْهُ سَيِّئَةٌ، حَتَّى يَنْصَرِفَ بِبَصَرِهِ عَنْهَا. (٦)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هركس به كعبه نگاه كند پيوسته براى او حسنه نوشته و گناهى از او پاك مى شود تا آن كه چشم خود را از كعبه بگرداند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

النَّظَرُ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ، وَ النَّظَرُ إِلَى الاِْمَامِ عِبَادَةٌ. (٧)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

نگاه به كعبه عبادت است، نگاه به پدر و مادر عبادت است، و نگاه به چهره امام عبادت است.

# لحظه الهى

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّ لِلْكَعْبَةِ لَلَحْظَةً فِي كُلِّ يَوْم يُغْفَرُ لِمَنْ طَافَ بِهَا أَوْ حَنَّ قَلْبُهُ إِلَيْهَا أَوْ حَبَسَهُ عَنْهَا عُذْرٌ. (٨)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

همانا براى كعبه در هر روز لحظه اى وجود دارد كه خداوند در آن، طواف كنندگان خانه خود، و آنان كه قلب هايشان لبريز از عشق به كعبه است، و نيز كسانى كه علاقه مند زيارت كعبه اند، ليكن مشكلات مانع رفتن آن هاست، ] همگى را [ مى بخشايد.

# ريزش بركات

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَوْلَ الْكَعْبَةِ عِشْرِينَ وَ مِائَةَ رَحْمَة مِنْهَا سِتُّونَ لِلطَّائِفِينَ وَ أَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَ عِشْرُونَ لِلنَّاظِرِينَ. (٩)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

خداوند يكصد و بيست رحمت خود را به سوى كعبه گسيل مى دارد كه شصت رحمت آن مربوط به طواف كنندگان، چهل رحمت ويژه نماز گزاران و بيست رحمت از آن مربوط به نگاه كنندگان به كعبه است.

# پيوند دين و كعبه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

لا يَزَالُ الدِّينُ قَائِماً مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ. (١٠)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

تا زمانى كه كعبه استوار و پابرجاست، دين نيز پايدار خواهد بود.

# برداشت ممنوع

قال الصادق عليه‌السلام :

لا يَنْبَغِي لاَِحَد أَنْ يَأْخُذَ مِنْ تُرْبَةِ مَا حَوْلَ الْكَعْبَةِ وَ إِنْ أَخَذَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئاً رَدَّهُ. (١١)

محمّد بن مسلم گفت:

از امام صادق عليه‌السلام شنيدم كه مى فرمود:

برهيچكس روانيست ازخاك كعبه واطراف آن چيزى برگيرد، و اگر چيزى برداشت بايد آن را به جاى خود باز گرداند.

# پرده كعبه

عَنْ جَعفر، عَنْ أبيهِ:

أَنَّ عَلِيّاً عليهما‌السلام كانَ يَبْعَثُ بِكِسْوَةِ الْبَيْتِ في كُلِّ سَنَة مِنَ الْعَراقِ. (١٢)

امام باقر عليه‌السلام فرمود:

همانا علىّ بن ابى طالب عليه‌السلام همه ساله از عراق پرده اى براى كعبه مى فرستاد.

# حضور امام زمان عليه‌السلام كنار كعبه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَر الْحِمْيَرِيِّ أَنَّهُ قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعَمْرِيَّ ـ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ـ فَقُلْتُ لَهُ: رَأَيْتَ صَاحِبَ هَذَا الاَْمْرِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَ آخِرُ عَهْدِي بِهِ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي. (١٣)

عبدالله بن جعفر حميرى گويد:

از محمّد بن عثمان عمرى پرسيدم:

آيا صاحب الامر را ديدى؟

گفت: آرى، آخرين بار نزد كعبه او را ديدم كه مى فرمود:

بار خدايا آنچه را وعده ام داده اى محقّق ساز.

# حجر الاسود

قالَ رَسُولُ الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

اَلْحَجَرُ يَمينُ اللّه فِي الأَرْضِ، فَمَنْ مَسَحَ يَدَهُ عَلَى الْحَجَرِفَقَدْبايَعَ اللّهَ اَنْ لا يَعْصيَهُ. (١٤)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

حجر الاسود به منزله دست راست خدا در زمين است. پس هركس دست خود را بر حجر بكشد، در حقيقت با خداوند بيعت كرده كه او را معصيت و نافرمانى نكند.

# استلام از دور

عَنْ سَيْف التَّمَّارِ قَالَ:

قُلْتُ لاَِبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام أَتَيْتُ الْحَجَرَ الاَْسْوَدَ فَوَجَدْتُ عَلَيْهِ زِحَاماً فَلَمْ أَلْقَ إِلاّ رَجُلا مِنْ أَصْحَابِنَا فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ: لا بُدَّ مِنِ اسْتِلامِهِ

فَقَالَ: إِنْ وَجَدْتَهُ خَالِياً وَ إِلاّ فَسَلِّمْ مِنْ بَعِيد. (١٥)

سيف تمّار گويد: به امام صادق عليه‌السلام گفتم:

نزد حجر الاسود آمدم، جمعيّت زيادى بود، از هريك از يارانمان پرسيدم چه كنم؟ گفت: بايد استلام حجر كنى! تكليف من چيست؟ امام صادق عليه‌السلام به او فرمود:

اگر اطراف حجر الاسود را خلوت يافتى آن را استلام كن و گرنه با دست خود از دور اشاره كن.

# ظهور عدل

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

أَوَّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيهِ أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الاَْسْوَدَ وَ الطَّوَافَ. (١٦)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

اوّلين چيزى كه امام عصر عليه‌السلام از عدل خود آشكار مى كند اين است كه منادى او فرياد برمى آورد كه طواف كنندگان مستحبّى و لمس كنندگان حجر الاسود، حجر الاسود و مطاف را براى كسانى كه طواف واجب دارند واگذارند.

# ايثار در حرم

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

اَبْلِغُوا أهْلَ مَكَّةَ وَالمُجاوِرينَ اَنْ يُخَلُّوا بَيْنَ الحُجّاجِ وَبَيْنَ الطَّوافِ وَالحَجَرِ الأَسْوَدِ وَمَقامِ اِبراهِيمَ والصَّفِّ الأوَّلِ مِنْ عَشْرتَبْقى مِنْ ذِي القَعْدَةِ اِلى يَوْمِ الصَّدْرِ.» (١٧)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

«به اهالى مكّه و سكونت كنندگان در آن اين مطلب را برسانيد كه از ده روز آخر ذى قعده تا روز بازگشت حاجيان، محلّ طواف، حجر الأسود، مقام ابراهيم و صف اوّل نماز را براى حاجيان خالى كنند.»

# مزاحمت ممنوع

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

كَانَ بِمَكَّةَ رَجُلٌ مَوْلًى لِبَنِي أُمَيَّةَ يُقَالُ لَهُ: ابْنُ أَبِي عَوَانَةَ لَهُ عِنَادَةٌ، وَ كَانَ إِذَا دَخَلَ إِلَى مَكَّةَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام أَوْ أَحَدٌ مِنْ أَشْيَاخِ آلِ مُحَمَّد عليه‌السلام يَعْبَثُ بِهِ، وَ إِنَّهُ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام وَ هُوَ فِي الطَّوَافِ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي اسْتِلامِ الْحَجَرِ؟ فَقَالَ: اسْتَلَمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فَقَالَ لَهُ: مَا أَرَاكَ اسْتَلَمْتَهُ قَالَ: أَكْرَهُ أَنْ أُوذِيَ ضَعِيفاً أَوْ أَتَأَذَّى قَالَ فَقَالَ قَدْ زَعَمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اسْتَلَمَهُ قَالَ: نَعَمْ وَ لَكِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم إِذَا رَأَوْهُ عَرَفُوا لَهُ حَقَّهُ وَ أَنَا فَلا يَعْرِفُونَ لِي حَقِّي. (١٨)

حمّاد بن عثمان گويد:

در مكه مردى از دوستداران بنى اميه به نام ابن ابى عوانه زندگى مى كرد كه نسبت به اهل بيت عليهم‌السلام كينه داشت. و هرگاه امام صادق عليه‌السلام يا يكى از بزرگان دودمان پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به مكه مى آمد آنان را، با سخن خود تحقير نموده، آزار مى داد، وى روزى در حال طواف خدمت امام صادق عليه‌السلام آمد و گفت:

نظر شما در استلام و دست كشيدن به حجر الاسود چيست؟ حضرت فرمود:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن را استلام مى فرمود. آن مرد گفت:

من نديدم كه شما آن را استلام كنيد؟ امام صادق عليه‌السلام پاسخ دادند:

دوست ندارم ناتوانى را آزار دهم و يا خود آزرده شوم. باز آن مرد گفت: شما فرموديد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن را استلام مى فرمود. امام فرمود: آرى، ليكن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را هرگاه مى ديدند حق او را مى شناختند ] و براى آن حضرت راه را باز مى كردند [ امّا براى من چنين نمى كنند، حق مرا نمى شناسند.

# اشاره با دست

محمّد بن عُبيد الله گفت:

از امام على بن موسى الرضا عليه‌السلام پرسيدند:

اگر جمعيت اطراف حجر الاسود زياد بود آيا بايد براى استلام آن با مردم ستيزه كرد و درگير شد؟

قال: «إِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَوْمِ إِلَيْهِ إِيمَاءً بِيَدِكَ». (١٩)

امام فرمود: هرگاه چنين وضعى بود، با دستت به آن اشاره كن ]و بگذر[.

قابل توجّه بانوان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَضَعَ عَنِ النِّسَاءِ أَرْبَعاً: الاِْجْهَارَ بِالتَّلْبِيَةِ، وَ السَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ يَعْنِي الْهَرْوَلَةَ وَ دُخُولَ الْكَعْبَةِ وَ اسْتِلامَ الْحَجَرِ الاَْسْوَدِ. (٢٠)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

همانا خداوند عزّوجلّ چهار چيز را در حج از زنان برداشته است:

١ ـ بلند لبّيك گفتن،

٢ ـ هروله در سعى صفاو ومروه،

٣ ـ ورود به كعبه،

٤ ـ لمس حجر الاسود.

# فخر خداوند

قال رَسُول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

اِنَّ اللَّهَ يُبَاهِي بِالطَّائِفِينَ. (٢١)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

همانا خداوند به طواف كنندگان مباهات مى كند.

# طواف و رهايى

عَنْ رَسولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم قال:

... فَإِذَا طُفْتَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً كَانَ لَكَ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ وَ ذِكْرٌ يَسْتَحْيِي مِنْكَ رَبُّكَ أَنْ يُعَذِّبَكَ بَعْدَهُ... (٢٢).

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

پس آنگاه كه هفت مرتبه گرداگرد خانه خدا طواف كردى، تعهّد و يادى نزد خداوند خواهى داشت، كه حضرت حق پس از آن شرم مى كند تو را عذاب كند.

# پرحرفى ممنوع

قال رَسُول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

إِنَّمَا الطَّوافُ صَلوةٌ، فَإِذا طُفْتُمْ فَأَقِلُّوا الْكَلامَ. (٢٣)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

طواف خانه خدا همچون نماز است، پس هرگاه طواف مى كنيد كمتر حرف بزنيد.

# فلسفه طواف

قال رَسُول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

إِنَّمَا جُعِلَ الطَّوافُ بِالْبَيْتِ وَ بَيْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ وَ رَمْىُ الْجِمارِ لاِقامَةِ ذِكْرِ اللّهِ. (٢٤)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

طواف خانه خدا و سعى ميان صفا و مروه و رمى جمرات، براى زنده نگه داشتن ياد خدا تشريع شده است.

# تأثير نيّت در عمل

عنْ زياد القندي، قال: قلت لأبي الحسن عليه‌السلام : جُعِلْتُ فِداك، إنّي أَكونُ في المَسْجِدِ الحرامِ، وأنْظُرُ اِلى النّاسِ يَطوفونَ بالبَيْتِ وأنا قاعِدٌ فاغْتَمُّ لِذلكَ، فقال:

يَازِيَادُ لاعَلَيْكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَاخَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَؤُمُّ الْحَجَّ لايَزَالُ فِي طَوَاف وَ سَعْي حَتَّى يَرْجِعَ. (٢٥)

زياد قندى كه مردى زمين گير بود گويد: به امام كاظم عليه‌السلام گفتم:

فدايت شوم من گاهى در مسجد الحرام هستم، مى بينم مردم كعبه را طواف مى كنند [و من نمى توانم] پس غمگين و اندوهناك مى شوم.

امام فرمود: اى زياد: چيزى بر تو نيست [و غمگين مباش] همانا مؤمن از زمانى كه از منزل خود به قصد حج خارج مى شود پيوسته در طواف و سعى است تا برگردد.

# مراعات ارزشهاى انسانى

عَنْ سَمَاعَة بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام :

سَألْتَهُ عَنْ رَجُل لي عَلَيْهِ مالٌ فغابَ عَنّي زَماناً فَرَأَيْتُهُ يَطوفُ حَولَ الكَعبَةَ أفأتَقاضاهُ مالِي؟ قَالَ: لا، لا تُسَلِّمْ عَلَيْهِ وَلا تُرَوِّعْهُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ. (٢٦)

سماعة بن مهران گويد: از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم:

مردى به من بدهكارى مالى دارد و مدّتى او را نديده ام تا اينكه در اطراف كعبه به او برخورد كرده او را مى بينم، آيا مال خود را از او بخواهم؟

فرمود: نه حتى به او سلام نكن، و او را نترسان تا اينكه از حرم خارج شود.

# نماز نزد مقام

عَن رَسُول اللّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم قال:

...فَإِذَا طُفْتَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً لِلزِّيَارَةِ وَ صَلَّيْتَ عِنْدَ الْمَقَامِ رَكْعَتَيْنِ ضَرَبَ مَلَكٌ كَرِيمٌ عَلَى كَتِفَيْكَ فَقَالَ أَمَّا مَا مَضَى فَقَدْ غُفِرَ لَكَ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِشْرِينَ وَ مِائَةِ يَوْم. (٢٧)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

پس آنگاه كه هفت مرتبه خانه خدا را براى زيارت طواف كردى و پشت مقام دو ركعت نماز طواف خواندى، فرشته اى كريم و بزرگوار دستى بر شانه هايت مى زند و مى گويد:

آنچه كه گذشته است و گناهانى را كه قبلا انجام داده اى خداوند آن ها را بخشيد، پس از هم اكنون تا يك صد و بيست روز عمل از نو آغاز كن.

# حسين بن على عليه‌السلام كنار مقام

رُئِىَ الحُسَيْنُ بْنُ عَلِىٍّ عليه‌السلام يَطُوفُ بِالْبَيْتِ، ثُمَّ صار اِلَى الْمَقامِ فَصَلّى، ثُمَّ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَى الْمَقامِ فَجَعَلَ يَيْكى وَ يَقُولُ: عُبَيْدُكَ بِبابِكَ، سَائِلُكَ بِبابِكَ، مِسْكينُكَ بِبابِكَ، يُرَدِّدُ ذلِكَ مِراراً. (٢٨)

حسين بن على عليه‌السلام را ديدند كه مشغول طواف خانه خدا است و پس از آن پشت مقام آمده نماز گزارد، سپس صورت خود را بر مقام گذاشت و شروع به گريه كرد و عرضه داشت:

خدايا بنده كوچك تو در خانه توست، نيازمند تو، در خانه توست و بينواى تو در آستان توست و پيوسته آن را تكرار مى كرد.

# كمك به همراهان

عن اِبراهمى الخثعَمي قال: قُلْتُ لأبي عبدالله عليه‌السلام :

إِنَّا إِذَا قَدِمْنَا مَكَّةَ ذَهَبَ أَصْحَابُنَا يَطُوفُونَ وَ يَتْرُكُونِّي أَحْفَظُ مَتَاعَهُمْ قَالَ أَنْتَ أَعْظَمُهُمْ أَجْراً. (٢٩)

اسماعيل خثعمى گويد:

به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم: ما وقتى به مكه وارد مى شويم، ياران و همراهانمان مرا نزد اثاثيه خود مى گذارند و به طواف مى پردازند، امام فرمود: پاداش تو از آنان بيشتر است.

# زمزم، درمان هر درد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

مَاءُ زَمْزَمَ دَوَاءٌ لِما شُرِبَ لَهُ. (٣٠)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

آب زمزم داروى دردى است كه به نيّت، آن نوشيده مى شود.

# بهترين آب زمين

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام :

مَاءُ زَمْزَمَ خَيْرُ مَاء عَلَى وَجْهِ الاَْرْضِ. (٣١)

امام على عليه‌السلام فرمود: آب زمزم بهترين آب بر روى زمين است.

# حجر اسماعيل

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

الْحِجْرُ بَيْتُ إِسْمَاعِيلَ وَفِيهِ قَبْرُ هَاجَرَ وَقَبْرُ إِسْمَاعِيلَ. (٣٢)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

حجر خانه اسماعيل است و قبر او و مادرش هاجر در آن است.

عن أبي عبد الله عليه‌السلام قال:

إن إسماعيل عليه‌السلام تُوُفّي وَهُوَ اِبنُ مائَةَ وَثَلاثِينَ سَنَة وَدُفِنَ بِالحِجْر مَعَ أُمِّه. (٣٣)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

اسماعيل عليه‌السلام در سن يكصد و سى سالگى بدرود حيات گفت و همراه با مادرش در حجر دفن شد.

# حطيم

معاوية بن عمّار گويد:

از امام صادق عليه‌السلام درباره حطيم پرسيدم:

فَقَالَ هُوَ مَا بَيْنَ الْحَجَرِ الاَْسْوَدِ وَ بَيْنَ الْبَابِ.

حضرت فرمود: ميان حجر الاسود و در كعبه است.

سؤال كردم: براى چه حطيم ناميده شده؟

فَقَالَ لاَِنَّ النَّاسَ يَحْطِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً هُنَاكَ. (٣٤)

فرمود: براى آن كه مردم در آن جا يكديگر را فشار مى دهند.

# ملتزم

قال رَسُول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

بَيْنَ الرُّكْنِ والْمَقامِ مُلْتَزَمٌ، مايَدْعُوا بِهِ صاحِبُ عاهَة اِلاّ بَرِئَ. (٣٥)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

ميان ركن حجر الاسود و مقام ابراهيم ملتزم است، هيچ صاحب دردى آنجا دعا نمى كند مگر آنكه بهبودى مى يابد.

# مستجار

قالَ الصّادِقُ عليه‌السلام :

بَنى إبْراهِيمُ الْبَيْتَ... وَجَعَلَ لَهُ بَابَيْنِ بَابٌ إِلَى الْمَشْرِقِ وَ بَابٌ إِلَى الْمَغْرِبِ، وَالْبَابُ الَّذِي إِلَى الْمَغْرِبِ يُسَمَّى الْمُسْتَجَارَ. (٣٦)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

ابراهيم خليل كعبه را بنا كرد... و براى آن دو در گذاشت:

درى به سوى مشرق و درى به سوى مغرب، درى كه به سوى مغرب است مستجار ناميده شده است.

# ركن يمانى

عطاء گويد:

به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گفته شد:

رَأَيْناكَ تُكْثِرُ اِسْتِلامَ الرُّكْنِ الْيَمانىِّ فَقالَ: مااَتَيْتُ عَلَيْهِ قَطُّ اِلاّ و جَبْرَئيلُ قائِمٌ عِنْدَهُ يَسْتَغْفِرُ لِمَنْ اسْتَلَمَهُ. (٣٧)

فراوان مى بينيم كه شما ركن يمانى را استلام مى كنيد! فرمود: هرگز نزد ركن يمانى نيامدم مگر اينكه ديدم جبرئيل آن جا ايستاده و براى كسانى كه آن را استلام مى نمودند طلب مغفرت مى كرد.

# مسعى

عَنْ أَبِي بَصِير قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

مَا مِنْ بُقْعَة أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمَسْعَى لاَِنَّهُ يُذِلُّ فِيهَا كُلَّ جَبَّار. (٣٨)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هيچ بقعه اى نزد خداوند محبوب تر از محلّ سعى نيست براى اينكه هر ستمگر و جبّارى در آن جا ذليل و خوار مى شود.

# شفاعت مقبول

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام :

السَّاعِي بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ تَشْفَعُ لَهُ الْمَلائِكَةُ فَتُشَفَّعُ فِيهِ بِالاِْيجَابِ. (٣٩)

امام سجّاد عليه‌السلام فرمود:

فرشتگان براى سعى كنندگان بين صفا و مروه شفاعت مى كنند و شفاعت آنان نيز پذيرفته مى شود.

# هروله

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام : قَالَ:

صَارَ السَّعْىُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ لاَِنَّ إِبْرَاهِيمَ عليه‌السلام عَرَضَ لَهُ إِبْلِيسُ فَأَمَرَهُ جَبْرَئِيلُ عليه‌السلام ، فَشَدَّ عَلَيْهِ فَهَرَبَ مِنْهُ، فَجَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ ـ يعنى بالْهَرْوَلَة ـ . (٤٠)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

[ هروله] در سعى بين صفا و مروه براى آن است كه ابليس خود را به ابراهيم خليل عليه‌السلام در آن جا نشان داد.

آنگاه جبرائيل به آن حضرت دستور داد تا به او حمله كند، پس شيطان گريخت، از اين رو ] هروله [سنّت شد.

# نشستن در راه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

لايَجْلِسُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ إِلاّ مَنْ جَهَدَ. (٤١)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

ميان صفاومروه نمى نشيندمگركسى كه خسته شده باشد.

# افتخار به اهل عرفه

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

«إنّ الله عزّوجلّ يُباهي مَلائِكَتَهُ عَشِيَّةَ عَرَفَة بِاَهْلِ عَرَفَةَ فَيَقُولُ:

اُنْظُرُوا اِلى عِبادي أتَوْني شُعْثاً غُبْراً». (٤٢)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

«همانا خداوند عزّوجلّ عصر روز عرفه بر فرشتگان به حضور يافتگان در عرفات افتخار مى كند، سپس مى فرمايد:

به بندگانم نگاه كنيد، ژوليده و غبارآلوده نزد من آمده اند.»

# مشعر الحرام

«قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم : ـ وَهُوَ بِمنى ـ :

لَوْ يَعْلَمُ اَهْلُ الجَمْعَ بِمَنْ حَلُّوا أَوْ بِمَنْ نَزَلُوا لاَسْتَبْشَرُوا بالفَضْلِ مِنْ رَبِّهِمْ بَعْدَ المَغْفِرَةِ». (٤٣)

«رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در حالى كه در منى حضور داشت فرمود:

اگر اهل مشعر مى دانستند كه در آستان چه كسى و بر چه كسى وارد شده اند، پس از آمرزش، همديگر را به فضل خداوند بشارت مى دادند.»

# مِنى

قال الصادق عليه‌السلام :

«إِذَا أَخَذَ النَّاسُ مَوَاطِنَهُمْ بِمِنًى، نَادَى مُنَاد مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ أَرْضَى فَقَدْ رَضِيتُ». (٤٤)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هنگامى كه مردم در منى در جاى خود استقرار مى يابند منادى خداوند ندا مى دهد:

اگر مى خواستيد من از شما راضى شوم، راضى شدم.

# رمى شيطان

قالَ الصّادِقُ عليه‌السلام :

«إنَّ عِلَّةَ رَمْيِ الجَمَراتِ أَنَّ إبْراهِيمَ عليه‌السلام تَراءى لَهُ إبْلِيسُ عِنْدها فَأمَرهُ جَبْرائيلُ بِرَمْيِه بِسَبعِ حَصَيات وَأَنْ يُكَبِّر مَعَ كُلِّ حَصَاة فَفَعَلَ وَجَرَتْ بِذلِكَ السُّنَةِ». (٤٥)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

دليل اينكه بايد جمره ها را سنگ زد آن است كه ابليس در آنجا بر حضرت ابراهيم عليه‌السلام نمايان شد، آنگاه جبرائيل، به ابراهيم دستور داد تا با هفت سنگريزه او را بزند و با هر يك از آنها نيز تكبير بگويد، ابراهيم عليه‌السلام نيز چنين كرد و از آن پس سنّت شد.»

# قربانى

عن أبي جعفر عليه‌السلام قال:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الاَْضْحَى لِتَشْبَعَ مَسَاكِينُهُمْ مِنَ اللَّحْمِ فَأَطْعِمُوهُمْ». (٤٦)

امام باقر عليه‌السلام فرمود:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرموده است:

خداوند قربانى را مقرّر و واجب كرده است تا بينوايان و مساكين از گوشت آن استفاده نموده، سير شوند، پس آنها را اطعام كنيد.»

# طلب مغفرت

قال الصادق عليه‌السلام :

«اِسْتَغْفَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم لِلْمُحَلِّقِينَ ثَلاثَ مَرَّات». (٤٧)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سه مرتبه براى كسانى كه [در منى] سر مى تراشند طلب آمرزش كرد.»

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پى نوشت ها :

١ ـ امالى طوسى: ٣٦٩ ـ وسائل الشيعه: ٥/٢٨٢

٢ ـ كافى: ٤/٥٢٤/١

٣ ـ كافى: ٤/٥٢٧

٤ . وافى: ٢/١٨٢

٥ ـ من لايحضره الفقيه: ٢/١٩٠ ـ علل الشرائع: ٣٩٦ و ٣٩٨

٦ ـ كافى: ٤/٢٤٠/٤

٧ ـ كافى: ٤/٢٤٠/٥٠

٨ ـ كافى: ٤/٢٤٠/٣

٩ ـ كافى: ٤/٢٤٠/٢

١٠ ـ كافى: ٤/٢٧١/٤

١١ ـ همان: ٢٢٩

١٢ ـ قرب الإسناد: ١٣٩/٤٩٦

١٣ ـ من لايحضره الفقيه: ٢/٥٢٠ ـ غيبت شيخ طوسى: ٣٦٣

١٤ ـ الحجّ والعمرة في القرآن و الحديث: ١٠٢/١٨٥

١٥ ـ تهذيب الأحكام: ٥/١٠٣/٣٣

١٦ ـ كافى: ٤/٤٢٧/١

١٧ ـ كنز العمال: ٥/٥٤/١٢٠٢٤

١٨ ـ كافى: ٤/٤٠٩/١٧

١٩ ـ كافى: ٤/٤٠٥/٧

٢٠ ـ من لا يحضره الفقيه: ٢/٣٢٦/٢٥٨٠

٢١ ـ مستدرك الوسائل: ٩/٣٧٦ ـ تاريخ بغداد: ٥/٣٦٩

٢٢ ـ من لا يحضره الفقيه: ٢/٢٠٢/٢١٣٨

٢٣ ـ مسند ابن حنبل: ٥/٢٥٦/١٥٤٢٣

٢٤ ـ سنن ابى داوود: ٢/١٧٩/١٨٨

٢٥ ـ كافى: ٤/٤٢٨/٨

٢٦ ـ كافى: ٤/٢٤١/١

٢٧ ـ تهذيب الاحكام: ٥/٢٠/٥٧ ـ من لا يحضره الفقيه: ٢/٢٠٢

٢٨ ـ تاريخ دمشق: ٤١/٣٨٠

٢٩ ـ كافى: ٤/٥٤٥/٢٦

٣٠ ـ محاسن: ٢/٣٩٩/٢٣٩٥، كافى ٦/٣٨٧

٣١ ـ محاسن: ٢٣٩٤

٣٢ ـ كافى: ٤/٢١٠/١٤

٤٣ ـ الحج والعمرة في القرآن والحديث: ١٠٧/١٩٩

٣٤ ـ علل الشرائع: ٤٠٠

٣٥ ـ معجم الكبير طبرانى: ١١/٢٥٤/١١٨٧٣

٣٦ ـ مستدرك الوسائل: ٩/٣٢٣ ـ تفسير قمّى: ١/٦٢

٣٧ ـ أخبار مكّه ازرقى: ١/٣٣٨

٣٨ ـ كافى: ٤/٤٣٤/٣

٣٩ ـ من لا يحضره الفقيه: ٢/٢٠٨/٢١٦٨

٤٠ ـ علل الشرايع: ٤٣٢ ـ وسائل الشيعه: ١٣/٤٥٠

٤١ ـ من لا يحضره الفقيه: ٢/٤١٧/٢٨٥٤

٤٢ ـ مسند ابن حنبل: ٢/٦٩٢/٧١١١

٤٣ ـ معجم الكبير طبرانى: ١١/٤٥/١١٠٢١

٤٤ ـ كافى: ٤/٢٦٢/٤٢

٤٥ ـ علل الشرايع: ٤٣٧/١ ـ كنز الفوائد: ٢/٨٢

٤٦ ـ وسائل الشيعة: ١٤/١٦٦

٤٧ ـ تهذيب الاحكام: ٥/٢٤٣/٨٢٣

# اسرار حجّ

عالم بزرگوار سيّد عبدالله از نوادگان مرحوم محدّث جزائرى در كتاب شرح نخبه مى نويسد:

در منابع متعدّد، كه مورد تأييد من است، به خط بعضى از بزرگان در حديث مرسل چنين نقل شده است كه: شبلى پس از حجّ با امام زين العابدين عليه‌السلام ديدار كرد، حضرت به او فرمود: حَجَجْتَ يَا شَبْلِيُّ؟

قَالَ: نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ عليه‌السلام : نَزَلْتَ الْمِيقَاتَ وَ تَجَرَّدْتَ عَنْ مَخِيطِ الثِّيَابِ وَ اغْتَسَلْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ،

قَالَ: فَحِينَ نَزَلْتَ الْمِيقَاتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ خَلَعْتَ ثَوْبَ الْمَعْصِيَةِ وَلَبِسْتَ ثَوْبَ الطَّاعَةِ؟ قَالَ: لا،

قَالَ : فَحِينَ تَجَرَّدْتَ عَنْ مَخِيطِ ثِيَابِكَ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَجَرَّدْتَ مِنَ الرِّيَاءِ وَ النِّفَاقِ وَ الدُّخُولِ فِي الشُّبُهَاتِ؟ قَالَ: لا،

قَالَ : فَحِينَ اغْتَسَلْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ اغْتَسَلْتَ مِنَ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبِ؟ قَالَ: لا،

قَالَ : فَمَا نَزَلْتَ الْمِيقَاتَ وَ لا تَجَرَّدْتَ عَنْ مَخِيطِ الثِّيَابِ وَ لا اغْتَسَلْتَ،

ثُمَّ قَالَ:تَنَظَّفْتَوَأَحْرَمْتَوَعَقَدْتَ بِالْحَجِّ،قَالَ: نَعَمْ،

قَالَ: فَحِينَ تَنَظَّفْتَوَأَحْرَمْتَ وَعَقَدْتَ الْحَجَّ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَنَظَّفْتَ بِنُورَةِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ لِلَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ لا،

قَالَ : فَحِينَ أَحْرَمْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ حَرَّمْتَ عَلَى نَفْسِكَ كُلَّ مُحَرَّم حَرَّمَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؟ قَالَ: لا،

قَالَ : فَحِينَ عَقَدْتَ الْحَجَّ نَوَيْتَ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ كُلَّ عَقْد لِغَيْرِ اللَّهِ؟ قَالَ: لا،

قَالَ لَهُ عليه‌السلام : مَا تَنَظَّفْتَ وَ لا أَحْرَمْتَ وَ لا عَقَدْتَ الْحَجَّ،

قَالَ لَهُ : أَ دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ وَ صَلَّيْتَ رَكْعَتَيِ الاِْحْرَامِ

(آقاى شبلى!) آيا حج گزاردى؟ گفت: آرى فرزند رسول خدا، فرمود: آيا به ميقات فرود آمدى و لباس هاى دوخته خويش را از تن بدر كردىوغسل نمودى؟ شبلى پاسخ گفت: آرى.

امام عليه‌السلام : آنگاه كه به ميقات درآمدى نيت كردى كه لباس معصيت و نافرمانى را از تن درآورده، و جامه طاعت و فرمانبرى خداوند را بجاى آن پوشيده اى؟ شبلى: نه.

امام عليه‌السلام : هنگامى كه لباس هاى دوخته را درآوردى، آيا نيت كردى كه خود را از ريا و دورويى و ورود در شبهه ها برهنه و دور سازى؟ شبلى: نه.

امام عليه‌السلام : به هنگام غسل كردن، نيّت كردى كه خود را از اشتباهات و گناهان شستشو دهى؟ شبلى: نه.

امام عليه‌السلام : ] پس تو در حقيقت [ نه به ميقات درآمده اى، و نه لباس هاى دوخته را از تن كنده اى و نه غسل كرده اى ..! سپس از او مى پرسند: آيا خود را تميز كردى و احرام پوشيدى و پيمان حج بستى؟ شبلى: آرى.

امام عليه‌السلام : آيا اين نيت را داشتى كه خود را با نور توبه خالص پاكيزه مى سازى؟ شبلى: نه.

امام عليه‌السلام : به هنگام محرم شدن، نيت آن كردى كه هر چه را خداوند بر تو روا نداشته، بر خود حرام بدارى؟ شبلى: نه.

امام عليه‌السلام : به هنگام بستن پيمان حج، آيا قصد آن كردى كه هر پيمان غير الهى را گشوده اى (رها كرده اى)؟ شبلى: نه.

امام عليه‌السلام : نه احرام بسته اى، نه پاكيزه شده اى و نه نيت حج كرده اى! آنگاه چنين پرسيد: آيا به ميقات داخل شدى و دو ركعت نماز احرام بجاى آوردى

وَلَبَّيْتَ؟ قَالَ : نَعَمْ،

قَالَ : فَحِينَ دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ بِنِيَّةِ الزِّيَارَةِ؟ قَالَ : لا،

قَالَ: فَحِينَ صَلَّيْتَ الرَّكْعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَقَرَّبْتَ إِلَى اللَّهِ بِخَيْرِ الاَْعْمَالِ مِنَ الصَّلاةِ وَ أَكْبَرِ حَسَنَاتِ الْعِبَادِ؟ قَالَ : لا،

قَالَ: فَحِينَ لَبَّيْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ نَطَقْتَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ بِكُلِّ طَاعَة وَ صُمْتَ عَنْ كُلِّ مَعْصِيَة؟ قَالَ : لا،

قَالَ لَهُ عليه‌السلام : مَا دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ وَ لا صَلَّيْتَ وَلا لَبَّيْتَ،

ثُمَّ قَالَ لَهُ : أَ دَخَلْتَ الْحَرَمَ وَ رَأَيْتَ الْكَعْبَةَ وَصَلَّيْتَ؟ قَالَ : نَعَمْ،

قَالَ: فَحِينَ دَخَلْتَ الْحَرَمَ نَوَيْتَ أَنَّكَ حَرَّمْتَ عَلَى نَفْسِكَ كُلَّ غِيبَة تَسْتَغِيبُهَا الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَهْلِ مِلَّةِ الاِْسْلامِ؟ قَالَ: لا.

قَالَ فَحِينَ وَصَلْتَ مَكَّةَ نَوَيْتَ بِقَلْبِكَ أَنَّكَ قَصَدْتَ اللَّهَ؟ قَالَ: لا.

قَالَ عليه‌السلام :فَمَادَخَلْتَ الْحَرَمَ وَلا رَأَيْتَ الْكَعْبَةَ وَلا صَلَّيْتَ.

ثُمَّ قَالَ: طُفْتَ بِالْبَيْتِ وَ مَسَسْتَ الاَْرْكَانَ وَسَعَيْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ عليه‌السلام : فَحِينَ سَعَيْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ هَرَبْتَ إِلَى اللَّهِ وَعَرَفَ مِنْكَ ذَلِكَ عَلاَّمُ الْغُيُوبِ؟ قَالَ: لا.

و لبيك گفتى؟ شبلى: آرى.

امام عليه‌السلام : به هنگام خواندن دو ركعت نماز (طواف)، نيت آن داشتى كه به بهترين كارها و بزرگترين نيكى هاى بندگان (كه همان نماز است)، خود را به خدا نزديك مى كنى؟ شبلى: نه.

امام عليه‌السلام : آنگاه كه لبيك گفتى، نيّت آن كردى كه به هر چه فرمانبردارى محض خداوند است سخن مى گويى و از هر نافرمانى و معصيتى سكوت مى كنى؟ شبلى: نه.

امام عليه‌السلام : نه در ميقات داخل شده اى، نه نماز گزارده اى و نه لبيك گفته اى!

وباز پرسيد: آيا به حرم داخل شدى و كعبه را ديدى و نماز خواندى؟

شبلى: آرى.

امام عليه‌السلام : به هنگام ورود به حرم نيت آن كردى كه هر غيبت و بد گويى مسلمانى از جامعه اسلامى را بر خود حرام مى كنى؟ شبلى: نه.

امام عليه‌السلام : به هنگام رسيدن به مكه، نيت كردى كه فقط خدارامى خواهى] و مى جويى [؟ شبلى: نه.

امام عليه‌السلام : پس نه به حرم وارد شده اى و نه كعبه را ديده اى و نه نماز گزارده اى! و ادامه داد: گرداگرد خانه خدا طواف كردى؟ واركان خانه را لمس نمودى؟ وسعى انجام دادى؟ شبلى: آرى.

امام عليه‌السلام : به هنگام سعى، نيّت آن داشتى كه (از شرّ شيطان ونفس) به خدا پناه مى برى و او كه آگاه به پنهان هاست، نسبت به اين مسأله داناست؟ شبلى: نه.

قَالَ فَمَا طُفْتَ بِالْبَيْتِ وَلا مَسِسْتَ الاَْرْكَانَ وَلا سَعَيْتَ.

ثُمَّ قَالَ لَهُ: صَافَحْتَ الْحَجَرَ وَ وَقَفْتَ بِمَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه‌السلام وَ صَلَّيْتَ بِهِ رَكْعَتَيْنِ؟ قَالَ: نَعَمْ فَصَاحَ عليه‌السلام صَيْحَةً كَادَ يُفَارِقُ الدُّنْيَاثُمَّ قَالَ: آهِ آهِ

ثُمَّ قَالَ عليه‌السلام : مَنْ صَافَحَ الْحَجَرَ الاَْسْوَدَ فَقَدْ صَافَحَ اللَّهَ تَعَالَى، فَانْظُرْ يَا مِسْكِينُ لا تُضَيِّعْ أَجْرَ مَا عَظُمَ حُرْمَتُهُ، وَ تَنْقُضِ الْمُصَافَحَةَ بِالْمُخَالَفَةِ، وَ قَبْضِ الْحَرَامِ نَظِيرَ أَهْلِ الاْثَامِ.

ثُمَّ قَالَ عليه‌السلام : نَوَيْتَ حِينَ وَقَفْتَ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه‌السلام أَنَّكَ وَقَفْتَ عَلَى كُلِّ طَاعَة وَتَخَلَّفْتَ عَنْ كُلِّ مَعْصِيَة؟ قَالَ: لا.

قَالَ: فَحِينَ صَلَّيْتَ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّكَ صَلَّيْتَ بِصَلاةِ إِبْرَاهِيمَ عليه‌السلام ، وَ أَرْغَمْتَ بِصَلاتِكَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؟ قَالَ: لا.

قَالَ لَهُ: فَمَا صَافَحْتَ الْحَجَرَ الاَْسْوَدَ وَ لا وَقَفْتَ عِنْدَ الْمَقَامِ وَ لا صَلَّيْتَ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ.

ثُمَّ قَالَ عليه‌السلام : لَهُ أَشْرَفْتَ عَلَى بِئْرِ زَمْزَمَ وَ شَرِبْتَ مِنْ مَائِهَا؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ نَوَيْتَ أَنَّكَ أَشْرَفْتَ عَلَى الطَّاعَةِ، وَغَضَضْتَ طَرْفَكَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؟ قَالَ: لا.

قَالَ عليه‌السلام : فَمَا أَشْرَفْتَ عَلَيْهَا وَ لا شَرِبْتَ مِنْ مَائِهَا.

امام عليه‌السلام : پس نه طواف خانه كرده اى، نه اركان را لمس نموده اى و نه سعى نموده اى!

سپس فرمود: آيا با حجر الاسود دست دادى، كنار مقام ابراهيم ايستادى، و دو ركعت نماز خواندى؟ شبلى: نه.

در اين هنگام امام فريادى برآورد چونانكه گويى نزديك است از دنيا برود، سپس فرمود: آه، آه ... آنگاه فرمود: كسى كه با حجر الاسود دست داده، مصافحه كند، در حقيقت با خداوند متعال دست داده است، پس اى نادار ناتوان بنگر و بيانديش، و پاداش آنچه راحرمت قائل شده و بزرگ داشته اى، ضايع مگردان و همچون معصيت كاران، دستى كه به خدادادى (و پيمانى را كه با خدا بستى) نگسل و نشكن.

سپس فرمود: آنگاه كه نزد مقام ابراهيم قرار گرفتى آيا نيّت كردى كه مصمّم بر انجام همه دستورهاى الهى و فرمانبردارى از آن و مخالف با هر معصيت و نا فرمانى خدا باشى؟ گفت: نه.

امام فرمود: آنگاه كه دو ركعت نماز طواف را به جاى آوردى آيا نيّت كردى كه با ابراهيم عليه‌السلام نمازگزاردى و با نمازت بينى شيطان را به خاك ماليدى؟ گفت: نه.

امام فرمود: پس در حقيقت، نه با حجرالاسود دست داده و مصافحه كرده اى، و نه در مقام ابراهيم توقّف كرده و ايستاده اى، و نه دو ركعت نماز آنجا خوانده اى!

سپس فرمود: آيا بر سر چاه زمزم رفتى و از آب آن نوشيدى؟ گفت: آرى.

امام فرمود: آيا نيّت كردى كه بر فرمانبردارى خداوند اشراف يافته، و از گناه و معصيت چشم پوشيده و روى گردانده اى؟ شبلى گفت: نه. امام فرمود: پس در حقيقت بر چاه زمزم اشراف نيافته اى و از آب آن ننوشيده اى!

ثُمَّ قَالَ لَهُ عليه‌السلام : أَ سَعَيْتَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَمَشَيْتَ وَتَرَدَّدْتَ بَيْنَهُمَا؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ لَهُ: نَوَيْتَ أَنَّكَ بَيْنَ الرَّجَاءِ وَ الْخَوْفِ؟ قَالَ: لا.

قَالَ: فَمَا سَعَيْتَ وَ لا مَشَيْتَ وَ لا تَرَدَّدْتَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ. ثُمَّ قَالَ: أَ خَرَجْتَ إِلى مِنًى؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: نَوَيْتَ أَنَّكَ آمَنْتَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِكَ وَ قَلْبِكَ وَ يَدِكَ؟ قَالَ: لا، قَالَ فَمَا خَرَجْتَ إِلى مِنًى.

ثُمَّ قَالَ: لَهُ أَ وَقَفْتَ الْوَقْفَةَ بِعَرَفَةَ، وَطَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ، وَعَرَفْتَ وَادِيَ نَمِرَةَ، وَدَعَوْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْمِيلِ وَالْجَمَرَاتِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: هَلْ عَرَفْتَ بِمَوْقِفِكَ بِعَرَفَةَ مَعْرِفَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَمْرَ الْمَعَارِف وَ الْعُلُومِ وَ عَرَفْتَ قَبْضَ اللَّهِ عَلى صَحِيفَتِكَ وَاطِّلاعَهُ عَلَى سَرِيرَتِكَ وَ قَلْبِكَ؟ قَالَ: لا، قَالَ نَوَيْتَ بِطُلُوعِكَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ أَنَّ اللَّهَ يَرْحَمُ كُلَّ مُؤْمِن وَمُؤْمِنَة وَيَتَوَلَّى كُلَّ مُسْلِم وَ مُسْلِمَة؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَنَوَيْتَ عِنْدَ نَمِرَةَ أَنَّكَ لا تَأْمُرُ حَتَّى تَأْتَمِرَ، وَلا تَزْجُرُ حَتَّى تَنْزَجِرَ؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْعَلَمِ وَ النَّمِرَاتِ، نَوَيْتَ أَنَّهَا شَاهِدَةٌ لَكَ عَلَى الطَّاعَاتِ حَافِظَةٌ لَكَ مَعَ الْحَفَظَةِ بِأَمْرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَمَا وَقَفْتَ بِعَرَفَةَ، وَلا طَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ، وَلا عَرَفْتَ نَمِرَةَ، وَلا دَعَوْتَ، وَلا وَقَفْتَ عِنْدَ النَّمِرَاتِ.

امام سپس فرمود: آيا سعى صفا و مروه را انجام دادى؟ و پياده بين آن دو كوه رفت و آمد داشتى؟ گفت: آرى.

امام فرمود: آيا نيّت كردى كه ميان خوف و رجاء و ترس و اميد در حركتى؟ گفت: نه.

امام فرمود پس سعى صفا و مروه انجام نداده اى و ميان آن دو كوه تردّد نكرده و راه نرفته اى!!

سپس فرمود: آيا سوى منا رفتى؟ گفت: آرى.

امام فرمود: آيا نيّت كردى كه مردم را از زبان و قلب و دست خود ايمن سازى؟ گفت: نه. امام فرمود: پس به منا نرفته اى! سپس پرسيد: آيا در عرفات وقوف كردى؟ و بالاى جبل الرحمه رفتى و وادىِ نَمِره را شناختى و كنار جَمَره ها، خداى سبحان را خواندى؟ گفت: آرى.

امام فرمود: آيا با وقوف در عرفات آگاهى خداوند را بر شناخت ها و دانش ها دريافتى؟ و دانستى كه خداوند نامه عمل تو را مى گيرد و از درون و فكر و قلب تو آگاهى دارد؟ گفت: نه.

امام فرمود: آيا در بالا رفتن از جبل الرّحمه نيّت آن را داشتى كه خداوند به هر زن و مرد با ايمان رحمت آورد، و هر مرد و زن مسلمان را سرپرستى مى كند؟ گفت: نه.

امام فرمود: آيا در وادىِ نَمِره نيّت آن را داشتى كه فرمان ندهى تا خود فرمان برى و نهى نكنى تا زمانى كه خود نهى پذير باشى؟ گفت: نه.

آيا هنگامى كه نزد نشانه و دو نَمِره وقوف كردى، نيّت كردى كه آنها بر عبادات و طاعات تو گواه باشند و همراه با نگهبانان خداوند و به امر او از تو حفاظت كنند؟ گفت: نه، حضرت فرمود: پس تو در عرفات وقوف نكرده اى! واز جبل الرحمة بالا نرفته اى! ونَمِره را نشناخته اى! و دعا نكرده اى و نزد دو نمره وقوف نكرده اى!

ثُمَّ قَالَ: مَرَرْتَ بَيْنَ الْعَلَمَيْنِ، وَ صَلَّيْتَ قَبْلَ مُرُورِكَ رَكْعَتَيْنِ، وَ مَشَيْتَ بِمُزْدَلِفَةَ، وَ لَقَطْتَ فِيهَا الْحَصَى، وَمَرَرْتَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَحِينَ صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ، نَوَيْتَ أَنَّهَا صَلاةُ شُكْر فِي لَيْلَةِ عَشْر، تَنْفِي كُلَّ عُسْر، وَتُيَسِّرُ كُلَّ يُسْر؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا مَشَيْتَ بَيْنَ الْعَلَمَيْنِ، وَ لَمْ تَعْدِلْ عَنْهُمَا يَمِيناً وَ شِمَالا، نَوَيْتَ أَنْ لا تَعْدِلَ عَنْ دِينِ الْحَقِّ يَمِيناً وَشِمَالا، لا بِقَلْبِكَ، وَلا بِلِسَانِكَ، وَ لا بِجَوَارِحِكَ، قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا مَشَيْتَ بِمُزْدَلِفَةَ وَ لَقَطْتَ مِنْهَا الْحَصَى، نَوَيْتَ أَنَّكَ رَفَعْتَ عَنْكَ كُلَّ مَعْصِيَة، وَجَهْل، وَثَبَّتَّ كُلَّ عِلْم وَ عَمَل؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا مَرَرْتَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، نَوَيْتَ أَنَّكَ أَشْعَرْتَ قَلْبَكَ إِشْعَارَ أَهْلِ التَّقْوَى وَ الْخَوْفَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَمَا مَرَرْتَ بِالْعَلَمَيْنِ، وَلا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ، وَلا مَشَيْتَ بِالْمُزْدَلِفَةِ، وَلا رَفَعْتَ مِنْهَا الْحَصَى، وَلا مَرَرْتَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ.

ثُمَّ قَالَ لَهُ: وَصَلْتَ مِنًى، وَرَمَيْتَ الْجَمْرَةَ، وَحَلَقْتَ رَأْسَكَ، وَذَبَحْتَ هَدْيَكَ، وَصَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَرَجَعْتَ إِلَى مَكَّةَ، وَطُفْتَ طَوَافَ الاِْفَاضَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَنَوَيْتَ عِنْدَ مَا وَصَلْتَ مِنًى وَ رَمَيْتَ الْجِمَارَ، أَنَّكَ بَلَغْتَ إِلَى مَطْلَبِكِ، وَ قَدْ قَضَى رَبُّكَ

آنگاه پرسيد: آيا از ميانِ دو نشانه عبور كردى و پيش از گذشتنِ از آنجا، دو ركعت نماز گزاردى؟ و پياده به مزدلفه رفتى و از آنجا سنگريزه جمع كردى؟ و از مشعر الحرام گذشتى؟ گفت: آرى.

امام فرمود: وقتى دو ركعت نماز خواندى، نيّت كردى كه آن نماز، نماز شكرِ در شب دهم است، كه هر سختى را دور و كارها را آسان مى كند؟ گفت: نه.

امام فرمود: هنگامى كه از ميان دو نشانه عبور كردى و به چپ و راست منحرف نشدى، آيا نيّت كردى كه از دين حق به چپ و راست منحرف نشوى، نه با قلبت، نه با زبانت و نه با اعضاى بدنت؟ گفت: نه.

امام فرمود: هنگامى كه به مزدلفه رفتى و از آنجا سنگريزه جمع كردى، آيا نيّت كردى كه هر معصيت و جهل را از خود برداشتى و هر علم و عمل صالحى را در خود پايدار سازى؟ گفت: نه.

امام فرمود: وقتى كه بر مشعر الحرام گذر كردى، آيا نيّت كردى كه دلت را به بينش اهل تقوى و خوف از خدا بيارايى؟ گفت: نه.

امام فرمود: پس نه از دو كوه عبور كرده اى، نه دو ركعت نماز خوانده اى، نه به مزدلفه رفته اى، نه از آنجا سنگريزه برداشته اى و نه از مشعر الحرام عبور كرده اى! و همچنين پرسيد: آيا به منا رسيدى و آيا جمره را رمى كردى؟ و سرت را تراشيدى؟ و قربانى ات را سر بريدى؟ و در مسجد خيف نماز گزاردى؟ و به مكّه بازگشته «طواف افاضه» را انجام دادى؟ گفت: آرى.

امام فرمود: وقتى به منا رسيدى و رمى جمرات كردى، آيا احساس كردى كه به خواسته ات رسيده اى و خداوند

لَكَ كُلَّ حَاجَتِكَ؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ نَوَيْتَ أَنَّكَ رَمَيْتَ عَدُوَّكَ إِبْلِيسَ وَغَضِبْتَهُ بِتَمَامِ حَجِّكَ النَّفِيسِ؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا حَلَقْتَ رَأْسَكَ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَطَهَّرْتَ مِنَ الاَْدْنَاسِ، وَمِنْ تَبِعَةِ بَنِي آدَمَ، وَخَرَجْتَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وَلَدَتْكَ أُمُّكَ؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ نَوَيْتَ أَنَّكَ لا تَخَافُ إِلاّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَذَنْبَكَ، وَلا تَرْجُو إِلاّ رَحْمَةَ اللَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا ذَبَحْتَ هَدْيَكَ نَوَيْتَ أَنَّكَ ذَبَحْتَ حَنْجَرَةَ الطَّمَعِ بِمَا تَمَسَّكْتَ بِهِ مِنْ حَقِيقَةِ الْوَرَعِ، وَأَنَّكَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ إِبْرَاهِيمَ عليه‌السلام بِذَبْحِ وَلَدِهِ، وَثَمَرَةِ فُؤَادِهِ وَرَيْحَانِ قَلْبِهِ، وَحَاجَّهُ سُنَّتُهُ لِمَنْ بَعْدَهُ، وَقَرَّبَهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِمَنْ خَلْفَهُ؟ قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا رَجَعْتَ إِلَى مَكَّةَ وَ طُفْتَ طَوَافَ الاِْفَاضَةِ نَوَيْتَ أَنَّكَ أَفَضْتَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى، وَرَجَعْتَ إِلَى طَاعَتِهِ، وَتَمَسَّكْتَ بِوُدِّهِ، وَأَدَّيْتَ فَرَائِضَهُ، وَتَقَرَّبْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ: لا، قَالَ: لَهُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه‌السلام فَمَا وَصَلْتَ مِنًى وَ لا رَمَيْتَ الْجِمَارَ، وَلا حَلَقْتَ رَأْسَكَ، وَلا أَدَّيْتَ نُسُكَكَ، وَلا صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَلا طُفْتَ طَوَافَ الاِْفَاضَةِ، وَلا تَقَرَّبْتَ. ارْجِعْ فَإِنَّكَ لَمْ تَحُجَّ.

همه حاجت هايت را برآورده است؟ گفت: نه.

امام فرمود: وقتى سنگريزه به جمرات زدى، آيا نيّت كردى كه دشمنت ابليس را رمى كرده اى؟ و با تمامى حج گرانبهايت، او را به خشم آورده اى؟ گفت: نه.

امام فرمود: وقتى سرت را تراشيدى، آيا نيّت كردى كه از آلودگى ها و از گناهان بنى آدم پاك شده اى و از گناهانت بيرون آمدى همچون روزى كه از مادر زاده شدى؟ گفت: نه.

امام فرمود: وقتى در مسجد خيف نماز خواندى، نيّت كردى كه جز از خداى متعال و گناهت نترسى و جز به رحمت خدا اميدوار نباشى؟ گفت: نه.

امام فرمود: آنگاه كه قربانى ات را سربريدى، آيا نيّت كردى كه با تمسك به حقيقتِ ورع و پرهيزكارى گلوى طمع را ببرى و از ابراهيم عليه‌السلام ، كه فرزندش و ميوه دلش و گُل قلبش را به قربانگاه آورد و آن را سنّتى براى آيندگان و وسيله اى براى تقرّب به خداوند براى نسل هاى بعد قرار داد، پيروى كنى؟ گفت: نه.

امام فرمود: چون به مكّه بازگشتى و «طواف افاضه» كردى، آيا نيّت كردى كه از رحمت خدا كوچ كرده به طاعت او بازگردى و به دوستى او چنگ زده و واجبات الهى را ادا كرده اى و به خدا نزديك شده اى؟ گفت: نه.

امام فرمود: پس نه به منا رسيده اى، نه سنگريزه پرتاب كرده اى، نه سرت را تراشيده اى، نه اعمال حجّ خود را انجام داده اى، نه در مسجد خيف نماز خوانده اى، نه «طوافِ كوچ» به جاآورده اى ونه به قرب خدا رسيده اى!

برگرد! زيرا تو حجّ بجا نياورده اى!

فَطَفِقَ الشِّبْلِيُّ يَبْكِي عَلَى ما فَرَّطَهُ فِي حَجِّهِ، وَما زَالَ يَتَعَلَّمُ حَتَّى حَجَّ مِنْ قابِل بِمَعْرِفَه وَيَقين. (١)

سپس شبلى سخت به گريه افتاد و از اينكه نتوانسته حجّ را آنگونه كه هست بشناسد و مناسك حج را عارفانه انجام دهد از شدّت ناراحتى به خود پيچيد و از آن پس به دنبال فراگيرى اسرار و معارف حج بود تا بتواند حج سال بعد را از روى شناخت و يقين به جاى آورد.

# ختم قرآن

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام :

تَسْبِيحَةٌ بِمَكَّةَ أَفْضَلُ مِنْ خَرَاجِ الْعِرَاقَيْنِ يُنْفَقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ قَالَ: مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرى رَسُولَ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم وَ يَرى مَنْزِلَهُ فِي الْجَنَّةِ. (٢)

امام سجّاد عليه‌السلام فرمود:

ثواب سبحان الله گفتن در مكّه بالاتر از انفاق ماليات عراقين در راه خداست، و نيز فرمود: هركس در مكّه قرآن را ختم كند، نمى ميرد مگر آنكه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را مى بيند، و جايگاه خويش را در بهشت مشاهده نمايد.

# وداع با كعبه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ وَ تَأْتِيَ أَهْلَكَ فَوَدِّعِ الْبَيْتَ وَ طُفْ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً. (٣)

معاوية بن عمّار گويد:

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هنگامى كه خواستى از مكّه خارج شوى و به سوى خانواده ات برگردى، پس با كعبه وداع كرده و هفت بار گرد كعبه طواف كن... .

# نشانه قبولى

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

آيَةُ قَبُولِ الْحَجِّ تَرْكُ مَا كَانَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ مُقِيماً مِنَ الذُّنُوبِ. (٤)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

نشانه قبولى حج آن است كه گناهانى را كه قبلا انجام مى داده، ترك كند.

# نورانيّت حج

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

الْحَاجُّ لا يَزَالُ عَلَيْهِ نُورُ الْحَجِّ مَا لَمْ يُلِمَّ بِذَنْب. (٥)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

گزار تا زمانى كه به گناه آلوده نشده نور حج را پيوسته دارا خواهد بود.

# نيّت بازگشت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةَ فَلْيَؤُمَّ هَذَا الْبَيْتَ، وَ مَنْ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ وَ هُوَ يَنْوِي الْحَجَّ مِنْ قَابِل زِيدَ فِي عُمُرِهِ. (٦)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

هركس دنيا و آخرت مى خواهد آهنگ زيارت اين خانه كند و كسى كه از مكّه بازگردد و قصد داشته باشد سال بعد نيز بيايد، عمرش طولانى مى شود.

# كمال حج

قالَ الصّادِقُ عليه‌السلام :

«اِذا حَجَّ اَحَدُكُمْ فَلْيَخْتِمْ حَجَّهُ بِزِيارَتِنا لاَِنَّ ذلِكَ مِنْ تَمامِ الحَجِّ». (٧)

امام صادق عليه‌السلام به «اسماعيل بن مهران» فرمود:

هنگامى كه يكى از شما حج انجام داديد، بايد حجّ خود را با ديدار ما پايان دهيد، زيرا اين از شرايط كامل شدن و تمام شدن حجّ است.»

زيارت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

قالَ رَسُول اللّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

مَنْ حَجَّ فَزارَ قَبْرى بَعْدَ مَوْتى كانَ كَمَنْ زارَنى في حَياتِى. (٨)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: كسى كه حج گزارد و پس از مرگ من به زيارت قبر من بيايد، مانند آن است كه مرا در حال زنده بودن زيارت كرده است.

# حج همراه با پيامبر

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم تَعْدِلُ حَجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مَبْرُورَةً. (٩)

امام باقر عليه‌السلام فرمود:

همانا زيارت قبر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم برابر با يك حج مقبول همراه با آن حضرت است.

# زيارت عاشقانه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

مَنْ جاءَنى زائِراً لايَعْمَلُهُ حاجَةً اِلاّ زِيارَتى، كانَ حَقّاً عَلَىَّ اَنْ اَكُونَ لَهُ شَفيعاً يَوْمَ الْقِيامَةِ. (١٠)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

هركس به زيارت من بيايد، و كارى جز زيارت من نداشته باشد، سزاست كه من او را روز قيامت شفاعت كنم.

# مأموريت فرشتگان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

خَلَقَ اللّهُ تَعالى لى مَلَكَيْنِ يَرُدّانِ السَّلامَ عَلى مَنْ سَلَّمَ عَلَىَّ مِنْ شَرْقِ البِلادِ وَ غَرْبِها، اِلاّ مَنْ سَلَّمَ عَلَىَّ فى دارى فَاِنّى اَرُدُّ عَلَيْهِ السَّلامَ بِنَفْسى. (١١)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

خداوند تعالى براى من دو فرشته خلق فرموده كه هركس از شرق و غرب بر من سلام كند و درود فرستد، پاسخ آنان را مى دهند. مگر كسى كه در خانه من، به من سلام دهد كه خود، جواب سلام او را مى دهم.

# نماز در مسجد النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

صَلاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَشَرَةَ آلافِ صَلاة فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلاّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَإِنَّ الصَّلاةَ فِيهِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلاة. (١٢)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

نماز در مسجد من برابر است با ده هزار نماز در مساجد ديگر جز مسجدالحرام، كه نماز در آن يك صد هزار ركعت ثواب دارد.

# باغ بهشتى

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ مِنْبَرِي عَلَى تُرْعَة مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ. (١٣)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

ميان قبر من و منبر من باغى از باغ هاى بهشت است و منبر من بر دريچه اى از دريچه هاى بهشت است.

# سلام بر فاطمه

يزيد بن عبدالملك از پدرش شنيده كه جدّ او گفته است:

بر حضرت فاطمه زهرا عليه‌السلام وارد شدم. آن حضرت بر من سلام كرد، سپس فرمود:

چه چيزى سبب شده به اينجا بيايى؟

عرض كردم: درخواست بركت.

قَالَتْ: أَخْبَرَنِي أَبِي وَ هُوَ ذَا هُوَ أَنَّهُ مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ وَعَلَيَّ ثَلاثَةَ أَيَّام أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ.

فاطمه عليه‌السلام فرمود: پدرم به من خبر داد كه هر كس بر او و بر من سه روز سلام دهد، خداوند بهشت را بر او واجب گرداند.

قُلْتُ لَهَا: فِي حَيَاتِهِ وَ حَيَاتِكِ قَالَتْ نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا. (١٤)

از آن حضرت پرسيدم: در حيات ايشان و شما؟

پاسخ فرمود:

آرى و پس از مرگ ما.

# سلام بر امامان

قَالَ أَبُو جَعْفَر عليه‌السلام ، وَ نَظَرَ النَّاسَ فِي الطَّوَافِ قَالَ:

أُمِرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَذَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُعَرِّفُونَا مَوَدَّتَهُمْ ثُمَّ يَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ». (١٥)

«امام باقر عليه‌السلام در حالى كه مردم را در حال طواف مى نگريست فرمود:

به آنان فرمان داده شده تا در اينجا ] و گرد كعبه [طواف كنند، سپس نزد ما آمده، دوستى و محبّتْ و نيز نصرت و يارى خود را به ما اظهار و عرضه نمايند.»

# سلام بر شهيدان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّ فَاطِمَةَ عليه‌السلام كَانَتْ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ غَدَاةِ سَبْت فَتَأْتِي قَبْرَ حَمْزَةَ وَ تَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ. (١٦)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

حضرت فاطمه عليه‌السلام هر صبح شنبه به زيارت قبر حمزه مى آمد و براى او طلب رحمت و آمرزش مى كرد.

# زيارت امامان

قالَ الرّضا عليه‌السلام :

اِنَّ لِكُلِّ اِمام عَهْداً في عُنُقِ اَولِيائِهِ وَشِيعَتِهِ وَاِنَّ مِنْ تَمامِ الوَفاءِ بالعَهْدِ وَحُسْنِ الأداءِ زِيارَةُ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زارَهُم رَغْبَةً في زيارَتِهِمْ وتَصْديقاً بِما رَغبوا فيهِ كانَ أَئِمَّتُهُم شُفَعائَهُمْ يَوْمَ القِيامَةِ! (١٧)

امام رضا عليه‌السلام فرمود:

براى هر امامى به گردن دوستان و پيروانش تعهّدى است، كه وفاى كامل به آن عهد، زيارت قبور آنها است، پس هر كس از روى عشق و علاقه، و با پذيرش آنچه آنان در پى آن بودند، قبور آنان را زيارت كند، پيشوايانشان نيز روز قيامت آنها را شفاعت مى كنند.

# نماز در قبا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

الصَّلاةُ فى مَسْجِدِ قُباءَ كَعُمْرَة. (١٨)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

نماز در مسجد قباء مانند انجام عمره است پاداش عمره دارد

# رفتار با مسلمانان ديگر كشورها

زَيْدٌ الشَّحَّامُ عَنِ الصّادِق عليه‌السلام ، أَنَّهُ قَالَ:

«يَا زَيْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلاقِهِمْ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الاَْئِمَّةَ وَ الْمُؤَذِّنِينَ فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَراً مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ وَ إِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَر مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ». (١٩)

«امام صادق عليه‌السلام فرمود:

اى زيد، خود را با اخلاق ايشان تطبيق داده، رفتارى خوب با آنان داشته باشيد، در مساجد آنها نماز بگزاريد، بيمارانشان را عيادت كنيد، در تشييع جنازه آنان حاضر شويد، و اگر بتوانيد امام جماعت يا مؤذن آنان باشيد، چنين كنيد، زيرا اگر چنين رفتار كنيد گويند:

اينها جعفرى (و پيروان جعفر بن محمّد عليه‌السلام )اند، خداوند جعفر را رحمت كند، چه خوب ياران خود راتربيت كرده است. و اگر چنين رفتار نكنيد، گويند اينها جعفرى هستند خداوند با جعفر چنان كند، يارانش را چه بد تربيت كرده است!!»

# استقبال از حاجيان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ:

«كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) يَقُولُ: يَا مَعْشَرَ مَنْ لَمْ يَحُجَّ اسْتَبْشِرُوا بِالْحَاجِّ وَ صَافِحُوهُمْ وَعَظِّمُوهُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ يَجِبُ عَلَيْكُمْ تُشَارِكُوهُمْ فِي الاَْجْرِ». (٢٠)

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

علىّ بن حسين ـ درود خدا بر آن دو باد ـ پيوسته مى فرمود:

اى كسانى كه به حج نرفته ايد، به استقبال حاجيان بشتابيد و با آنان دست بدهيد و آنان را بزرگ بداريد كه اين بر شما واجب است و در پاداش آنان شريك خواهيد شد.»

# پاداش كمك به خانواده حاجيان

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام :

مَنْ خَلَفَ حَاجّاً فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ كَانَ لَهُ كَأَجْرِهِ حَتَّى كَأَنَّهُ يَسْتَلِمُ الاَْحْجَارَ. (٢١)

امام زين العابدين عليه‌السلام فرمود:

كسى كه در نبود حاجى، به خانواده و مال او رسيدگى مى كند، پاداشى همانند او دارد، تا آنجا كه گويى سنگ هاى ] كعبه [ را لمس كرده است.

# گوارايتان باد

عَنْ يَحْيَى بْنِ يَسَار قَالَ:

حَجَجْنَا فَمَرَرْنَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام فَقَالَ:

«حَاجُّ بَيْتِ اللَّهِ وَ زُوَّارُ قَبْرِ نَبِيِّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم وَ شِيعَةُ آلِ مُحَمَّد هَنِيئاً لَكُمْ». (٢٢)

يحى بن يسار گويد:

حج گزارده، سپس به امام صادق عليه‌السلام برخورد كرديم، آن حضرت فرمود:

حاجى خانه خدا و زائر قبر پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و شيعه آل محمّد گوارايتان باد.»

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پى نوشت ها :

١ ـ مستدرك الوسائل: ١٠/١٦٦

٢ ـ تهذيب الأحكام: ٥/٤٦٨/١٦٤٠

٣ ـ كافى: ٤/٥٣٠/١

٤ ـ مستدرك الوسائل: ١٠/١٦٥

٥ ـ كافى: ٤/٢٥٥/١١

٦ ـ من لا يحضره الفقيه: ٢/١٤١/٦٤

٧ ـ علل الشرايع: ٤٥٩/١

٨ ـ معجم الاوسط طبرانى: ٣/٣٥١/٣٣٧٦

٩ ـ وسائل الشيعه: ١٤/٣٣٥ ـ كامل الزيارات: ٤٧

١٠ ـ معجم الكبير طبرانى: ١٢/٢٢٥/١٣١٤٩

١١ ـ كنز العمال: ١٢/٢٥٦/٣٤٩٢٩.

١٢ ـ كافى: ٤/٥٥٦/١١ ـ ثواب الاعمال: ٥٠/١

١٣ ـ كافى: ٤/٥٥٤/٣

١٤ ـ تهذيب الاحكام: ٦/٩/١٨

١٥ - مستدرك الوسائل: ١٠/١٨٩

١٦ ـ تهذيب الاحكام: ١/٤٦٥/١٦٨

١٧ ـ كافى: ٤/٥٦٧

١٨ ـ سنن ترمذى: ٢/١٤٥/٣٢٤.

١٩ - وافى: ٢/١٨٢ ـ من لا يحضره الفقيه: ١/٣٨٣

٢٠ ـ كافى: ٤/٢٦٤/٤٨

٢١ ـ محاسن: ١/١٤٧/٢٠٦ ـ وسائل الشيعه: ١١/٤٣٠

٢٢ - كافى: ٤/٥٤٩

فهرست مطالب

[پيشگفتار 2](#_Toc55680033)

[وجوب حج 5](#_Toc55680034)

[فلسفه حجّ 6](#_Toc55680035)

[حج وسيله تقويت دين 7](#_Toc55680036)

[حج آرام بخش دل ها 7](#_Toc55680037)

[تارك حج 7](#_Toc55680038)

[حج و رستگارى 8](#_Toc55680039)

[ارزش حج 8](#_Toc55680040)

[حق حج 8](#_Toc55680041)

[خداجويى 9](#_Toc55680042)

[پاداش حجّ 9](#_Toc55680043)

[تأثير حج 9](#_Toc55680044)

[نقش نيّت در حجّ 10](#_Toc55680045)

[ورود در نور 11](#_Toc55680046)

[ورود به محضر حقّ 11](#_Toc55680047)

[ميزبانى خداوند 12](#_Toc55680048)

[حج و جهاد 12](#_Toc55680049)

[حج برتر از عمره 12](#_Toc55680050)

[ريزش گناهان 13](#_Toc55680051)

[پذيرش دعا 14](#_Toc55680052)

[دستيابى به دنيا و آخرت 15](#_Toc55680053)

[حج آگاهانه 15](#_Toc55680054)

[بركات حج 16](#_Toc55680055)

[حجّ مردود 17](#_Toc55680056)

[حج با مال حرام 17](#_Toc55680057)

[اخلاق حاجى 18](#_Toc55680058)

[حج موفق 18](#_Toc55680059)

[اقسام حجّ 18](#_Toc55680060)

[اقسام حاجيان 19](#_Toc55680061)

[حاجيان نا موفّق 19](#_Toc55680062)

[سلوك با همسفران 20](#_Toc55680063)

[مرگ در راه 20](#_Toc55680064)

[انفاق در حج 21](#_Toc55680065)

[فلسفه احرام 21](#_Toc55680066)

[ادب احرام 22](#_Toc55680067)

[لبيك حقيقى 22](#_Toc55680068)

[شعار حجّ 23](#_Toc55680069)

[ورود آگاهانه 23](#_Toc55680070)

[ايمن از خشم خدا 24](#_Toc55680071)

[مكّه حرم خدا و رسول 24](#_Toc55680072)

[آداب ورود به مسجد الحرام 25](#_Toc55680073)

[قصرهاى بهشتى 27](#_Toc55680074)

[نماز در حرمين 27](#_Toc55680075)

[نماز جماعت در مكّه 27](#_Toc55680076)

[نماز با اهل سنّت 28](#_Toc55680077)

[چرا مكعب؟ 29](#_Toc55680078)

[نگاه به كعبه 29](#_Toc55680079)

[لحظه الهى 30](#_Toc55680080)

[ريزش بركات 30](#_Toc55680081)

[پيوند دين و كعبه 31](#_Toc55680082)

[برداشت ممنوع 31](#_Toc55680083)

[پرده كعبه 31](#_Toc55680084)

[حضور امام زمان عليه‌السلام كنار كعبه 32](#_Toc55680085)

[حجر الاسود 32](#_Toc55680086)

[استلام از دور 33](#_Toc55680087)

[ظهور عدل 33](#_Toc55680088)

[ايثار در حرم 34](#_Toc55680089)

[مزاحمت ممنوع 34](#_Toc55680090)

[اشاره با دست 35](#_Toc55680091)

[پرحرفى ممنوع 37](#_Toc55680092)

[فلسفه طواف 37](#_Toc55680093)

[تأثير نيّت در عمل 37](#_Toc55680094)

[مراعات ارزشهاى انسانى 38](#_Toc55680095)

[نماز نزد مقام 38](#_Toc55680096)

[حسين بن على عليه‌السلام كنار مقام 39](#_Toc55680097)

[كمك به همراهان 39](#_Toc55680098)

[زمزم، درمان هر درد 40](#_Toc55680099)

[بهترين آب زمين 40](#_Toc55680100)

[حجر اسماعيل 40](#_Toc55680101)

[حطيم 41](#_Toc55680102)

[ملتزم 41](#_Toc55680103)

[مستجار 41](#_Toc55680104)

[ركن يمانى 42](#_Toc55680105)

[مسعى 42](#_Toc55680106)

[شفاعت مقبول 42](#_Toc55680107)

[هروله 43](#_Toc55680108)

[نشستن در راه 43](#_Toc55680109)

[افتخار به اهل عرفه 43](#_Toc55680110)

[مشعر الحرام 44](#_Toc55680111)

[مِنى 44](#_Toc55680112)

[رمى شيطان 45](#_Toc55680113)

[قربانى 45](#_Toc55680114)

[طلب مغفرت 46](#_Toc55680115)

[اسرار حجّ 48](#_Toc55680116)

[ختم قرآن 58](#_Toc55680117)

[وداع با كعبه 59](#_Toc55680118)

[نشانه قبولى 59](#_Toc55680119)

[نورانيّت حج 59](#_Toc55680120)

[نيّت بازگشت 60](#_Toc55680121)

[كمال حج 60](#_Toc55680122)

[حج همراه با پيامبر 61](#_Toc55680123)

[زيارت عاشقانه 61](#_Toc55680124)

[مأموريت فرشتگان 61](#_Toc55680125)

[نماز در مسجد النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 62](#_Toc55680126)

[باغ بهشتى 62](#_Toc55680127)

[سلام بر فاطمه 62](#_Toc55680128)

[سلام بر امامان 63](#_Toc55680129)

[سلام بر شهيدان 63](#_Toc55680130)

[زيارت امامان 64](#_Toc55680131)

[نماز در قبا 65](#_Toc55680132)

[رفتار با مسلمانان ديگر كشورها 65](#_Toc55680133)

[استقبال از حاجيان 66](#_Toc55680134)

[پاداش كمك به خانواده حاجيان 66](#_Toc55680135)

[گوارايتان باد 66](#_Toc55680136)

[فهرست مطالب 68](#_Toc55680137)